

مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

حمله غیر منتظره وزیر امور خارجه آمریکا به محافظه کاران جمهوری اسلامی در سیتی کالج نیویورک
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

کولین پاول وزیر امور خارجه آمریکا روز دوشنبه در سخنانی رهبری مذهبی محافظه کار جمهوری اسلامی در ایران را مورد حمله شدید و غیرمنتظره قرار داد. وی در سخنان خود مقامهای مذهبی محافظه کار را به تندی و لکه دار کردن مذهب اسلام به خاطر اهداف سیاسی متهم کرد. همکاری بکتاش خمسه پور نگاهی دارد به گفته های کولین پاول:

بکتاش خمسه پور (رادیو فردا): کولین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در سخنانی در سیتی کالج نیویورک پیرامون تلاشهای آمریکا برای گسترش دموکراسی گفت: مقامات مذهبی خود رای نخواهند توانست از خواست مردم ایران برای اصلاحات جلوگیری کنند. پاول گفت مردم ایران آزادیشان را دوباره می خواهند و در این زمینه هیچ تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد.

وی اظهار داشت آنها نمی خواهند اسلام را از زندگی خود دور کنند. پاول افزود: آنها می خواهند از کسانی که جامه مقدس اسلام را به داخل منجلابی سیاسی کشانده اند، آزاد باشند. وزیر خارجه آمریکا ادامه داد: آنها برای خواستن این زندانی شدند، آنها برای خواستن این فریب داده شدند. آنها برای خواستن این ترسانده و تهدید شده اند.

پاول آنگاه افزود: برخی تا کنون برای خواستن این جان سپرده اند. وزیر خارجه آمریکا اشاره کرد که به رغم سرکوبیها و سختگیریها بر دانشجویان و رسانه های هوادار اصلاحات، دهها هزار تن از ایرانیان، بسیاری از آنها زن، هنگام بازگشت شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل به ایران به پیشواز او شتافتند. کولین پاول گفت مقامات مذهبی خود رای هم معنای آن را می دانند.

پاول سپس پرسید: آیا آنها باید نگران باشند؟ آیا بامداد در پی شب می آید؟ آنها باید نگران باشند. وزیر خارجه آمریکا در مورد این اظهاراتش که تقریباً در اواسط سخنرانی طولانی بیان شد، توضیحی نداد.

پاول در سخنرانی در سیتی کالج نیویورک از سیاستهای جرج واکر بوش رئیس جمهوری آمریکا در عراق و افغانستان دفاع کرد و درخواست رئیس جمهوری آمریکا را برای اصلاحات دموکراتیک در خاورمیانه مورد تأکید قرار داد.

برخی از رویدادهای مهم ایران

احمد باطبی از دو شب پیش ناپدید شده است
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

احمد باطبی پس از دیدار با لیگابو گزارشگر سازمان ملل ناپدید شده است. محمد باقر باطبی پدر احمد باطبی در تماس با خبرنگاری کار ایران، ایلنا، با اعلام این خبر گفت: قرار بود که ظرف روز گذشته پسرم پس از پایان مرخصی خود را به زندان اوین معرفی کند؛ لیکن پس از حضور در مراسم افطاری در دانشگاه خود، تا این ساعت هیچ اطلاعی از وی نداریم.

وی با بیان این که افراد ناشناس چندین بار با تماسهای مکرر، احمد باطبی و خانواده اش را تهدید جانی کرده اند، تأکید کرد: از مسئولان خواستارم که به این وضعیت رسیدگی کنند و وضعیت کنونی پسر را مشخص کنند. پایان پیام

دانشجویان شبانه دانشگاه اصفهان به دلیل افزایش شهریه در خیابان اصلی این دانشگاه تجمع کردند
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

دانشجویان شبانه دانشگاه اصفهان به دلیل افزایش شهریه از ساعت 3 بعدازظهر امروز در خیابان اصلی این دانشگاه تجمع کردند.

به گزارش سرویس اجتماعی ایلنا، تعداد این دانشجویان 1500 تا 2000 نفر است و تاکنون مسئول روابط عمومی این دانشگاه برای آرام کردن دانشجویان در خیابان اصلی حاضر شده است.

بر اساس این گزارش ازدحام جمعیت به حدی است که امکان تردد در خیابان اصلی دانشگاه وجود ندارد و رئیس حراست برای برطرف کردن این امر در بین دانشجویان حضور دارد.

گفتنی است این دانشجویان به دلیل افزایش شهریه ثابت که در سال گذشته 20 هزار تومان بوده و امسال به 100 هزار تومان رسیده است تجمع کردند.

دانشجویان متحصن خواهان حاضر شدن دکتر طالبی رئیس دانشگاه و پاسخگویی در خصوص علل افزایش شهریه دانشجویان شبانه هستند. پایان پیام

آخرین بازمانده‌ی نسل تصنیف‌سرایان ایران درگذشت

یکشنبه ۱۳۸۲/۰۸/۱۸

صبح امروز، استاد عبدالله طالع همدانی، شاگرد مستقیم عارف قزوینی، دار فانی را وداع گفت. صبح امروز، استاد عبدالله طالع همدانی، شاگرد مستقیم عارف قزوینی، دار فانی را وداع گفت. به گزارش خبرنگار ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) او آخرین بازمانده‌ی نسل تصنیف‌سرایان ایران و همکار هنری قمرالملوک وزیری و مرتضی نی‌داود بود که در سن 90 سالگی، پس از یک هفته بستری شدن در بخش ICU بیمارستان سجاد تهران، به دیار حق شتافت.

اهدای جایزه شهامت اخلاقی بنیاد کراسکی به عباس امیرانتظام و هاشم آغاجری علی سجادی (رادیو فردا): سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

جایزه شهامت اخلاقی سال 2003 از سوی بنیاد کراسکی، به دو زندانی عقیدتی ایرانی اهداء می‌شود: هاشم آغاجری و عباس امیر انتظام. هاشم آغاجری به دلیل تقاضای قرائت مترقیانه از اسلام که به حقوق مدنی احترام بگذارد و جدایی دین از دولت را بپذیرد، توسط مقام‌های جمهوری اسلامی، زندانی و به مرگ محکوم شد و اعتراض‌های گسترده دانشجویان باعث شد تا حکم مرگ وی معلق شود، ولی وی همچنان در زندان به سر می‌برد. عباس امیرانتظام نیز قدیمی‌ترین زندانی عقیدتی جمهوری اسلامی است و متجاوز از بیست سال، به خاطر اصرار بر حکومتی عرفی در زندان به سر برده است. اهدای جایزه کراسکی به هاشم آغاجری و عباس امیرانتظام به این معنی است که این دونفر از خصوصیات برخوردارند که بنیاد کراسکی، آنرا نشانی از شهامت اخلاقی می‌داند. دکتر رامین احمدی درباره شهامت اخلاقی عباس امیر انتظام در دورانی می‌گوید که همه مسخ ولایت فقیه بودند. دکتر رامین احمدی (نیو هیون New Haven): عباس امیرانتظام در دورانی که همه مسخ و مطیع روحانیت هستند، یعنی در آن روزهای بعد از انقلاب، در مقام سخنگوی دولت آقای بازرگان، در برابر هجوم روحانیت به سکوهاي قدرت ایستادگی می‌کند و سعی می‌کند که مجلس خبرگان را منحل کند. در روزگاری که بسیاری از روشنفکران ایران مغلوب و یا می‌شود گفت مفتون ولایت فقیه شده بودند، سعی می‌کند از قانونی شدن ولایت فقیه جلوگیری کند و برای این کار بهای سنگینی را می‌پردازد، به جاسوسی متهم می‌شود، خانواده و زندگی‌اش را تباه می‌کنند، به زندان و شکنجه می‌کشندش و بیش از 23 سال در زندان نگهش می‌دارند و باز در سالهایی که کسی جرات اعتراض به لاجوردی را ندارد، از زندان اعتراض می‌کند، از حقوق زندانیان دفاع می‌کند و به دنیا از زندان نامه و عکس به تخت زنجیر کشیده شده خودش را می‌دهد، خبر شکنجه و اعدام دسته جمعی زندانیان را اعلام می‌کند تا وجدان بشریت را در برابر این جنایات بیدار کند. در روزگاری که همه ساکتند از فراندم صحبت می‌کند و باز بهای صحبت کردن از فراندم را هم می‌پردازد.

ع . س : اما هاشم آغاجری، از لونی دیگر است. او از جوانانی است که همه زندگی خود را در تبق اخلاص برای پیشرفت جمهوری اسلامی گذاشته، ولی وقتی متوجه می‌شود که جان فشانی‌های او و نظایر او به جای آزادی و استقلال، حق ویژه ای برای گروه اندک و خاصی ایجاد کرده که بر اساس آن، پایه های حکومت استبدادی خویش را محکم کنند، با شهامتی یادکردنی، حکومت استبدادی روحانیان را زیر سؤال می‌برد.

دکتر رامین احمدی: هاشم آغاجری هم به سهم خودش، در حالیکه جوان برکشیده این انقلاب اسلامی است و زندگی اش را در طبق اخلاص برای این انقلاب گذاشته و پایش را در جنگ برای دفاع از انقلاب از دست داده، وقتی می‌بیند یک جمعی میراث خوار انقلاب بر قدرت نشستند و به چپاول مال ملت مشغولند و فساد و جنایت، به جای اینکه با رعایت مصلحت شخصی سکوت کند، به اعتراض دست می‌زند و به گفتن حقیقت می‌پردازد. یعنی اینکه بهایی که این دو برای اعتراضشان پرداختند، زندان و زندگی شخصی و سابقه مبارزاتی‌شان با هم فرق می‌کند، اما در یک چیز وجه مشترک دارند از نظر بنیاد و آن شهامت اخلاقی‌شان است در بازگو کردن حقیقت و تلاش قهرمانانه ای که برای بیدار کردن وجدان جهانیان می‌کنند و بهایی که برای آن می‌پردازند.

ع . س : از دکتر احمدی پرسیدم تاثیر اهدای این جایزه به هاشم آغاجری و عباس امیرانتظام بر روند گسترش و احترام به حقوق بشر در ایران چه خواهد بود؟

دکتر رامین احمدی : به نظر من این جایزه سهم مهمی می‌تواند داشته باشد در پیشبرد حقوق بشر در ایران، چون به طور مشخص از طرف اروپاییان این جایزه داده می‌شود و به دو تن از مشهورترین زندانیان سیاسی ایران داده می‌شود و کسانی که مساله شان مساله دفاع از حقوق مردم است، حقوق بشر است و دموکراسی، فکر می‌کنم توجه دنیا به این دو و در یک فاصله خیلی کوتاهی از دادن جایزه نوبل به خانم شیرین عبادی، نشان دهنده اهمیتی است که رهبران جنبش دموکراسی و حقوق بشر ایران در دنیا خرج کردند. چشم دنیا به ما دوخته شده، وجدانها بیدار شده و یکی فشار سیاسی و اخلاقی است در واقع که این حرکت به سوی دموکراسی را، به سوی یک فراندم را که آقای امیر

انتظام براي اولين بار از آن صحبت کرده بود بيش از هفت سال پيش، اين را تسريع کند. و من فکر مي کنم که اين نمي تواند بي تاثير باشد در پيشبرد حرکت به سوي دموکراسي در ايران.

ع . س : قرار است اين جايزه ها طي مراسمي در روز 25 نوامبر در سفارت لهستان در شهر واشنگتن به برندگان اهدا شود، اما هاشم آغاچري در زندان جمهوري اسلامي است و آقاي عباس اميرانتظام دوران نگاهت پس از يك عمل جراحي را مي پردازد و مجدداً به زندان بازگردانده خواهد شد و هيچکدام قادر به حضور در مراسم اهداي جايزه نيستند، ولي قرار است خانم الهام اميرانتظام، فرزند آقاي عباس امير انتظام به نمايندگي از پدرش و آقاي عبدالکريم سروش به نمايندگي از هاشم آغاچري در مراسم حضور يابند و جوایز را دريافت کنند. الهام امير انتظام در باره اهداي اين جايزه به پدرش مي گويد:

الهام اميرانتظام: از طرف پدرم از تمام کساني که براي حقوق بشر فعاليت مي کنند، تشکر مي کنم. اين جايزه مال ايران است و اميدوارم که براي دموکراسي در ايران کمک بزرگي باشد.

پرونده زيبا(زهرا) کاظمي

کمیسیون اصل نود مجلس شوراي اسلامي در جلسه ي امروز خود، به ادامه ي بررسي پرونده ي مربوط به زهرا کاظمي پرداخت.

سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

جميله کديور مخبر کمیسیون اصل نود مجلس شوراي اسلامي در گفت وگو با خبرنگار پارلماني خبرگزاري دانشجویان ايران (ايسنا) با اعلام اين خبر تصريح کرد: در اين جلسه که براي تکميل اطلاعات جهت فراهم کردن گزارش هاي بعدي کمیسیون برگزار شد، از آقایان مروی معاون اول قوه ي قضايه و مرتضوي دادستاني تهران، بختيازي رييس سازمان زندان ها و از وزارت اطلاعات، معاونت ضدجاسوسي و معاونت پارلماني دعوت شده بودند که متاسفانه از دستگاه قضايي، مدعويين نيامده بودند. وي ادامه داد: آقای مروی معاون اول قوه ي قضايه در نامه اي به کمیسیون اعلام کرده بود که با توجه به طرح موضوع در مجلس شوراي اسلامي نيازي به حضور در جلسه ي کمیسیون نيست. آقای مرتضوي اعلام کردند که کمیسیون را صالح براي رسيدگي نمي داند. آقای بختيازي رييس سازمان زندان ها نيز اعلام کردند که به دليل اين که کمیسیون گزارش خود را در خصوص دعوتنامه به صورت علني اعلام کرده و در مطبوعات نيز منعکس شده است، نياز قانوني به حضور ايشان در کمیسیون منتفي است و پرونده نيز در محکمه ي کيفري در حال رسيدگي است، بنا بر اين حضور پيدا نکردند.

کديور ادامه داد: در جلسه ي امروز کمیسیون، معاونان پارلماني و ضدجاسوسي وزارت اطلاعات حضور داشتند و با وجود ارايه ي بحث هايي در جلسه، هيچ مطلبي اضافه بر اطلاعات گذشته، مدعويين نتوانستند ارايه دهند، اما اعلام آمادگي کردند که اگر سوالات مکتوب از سوي کمیسیون به آنها داده شود، جواب مقتضي را خواهند داد.

وي تصريح کرد: مسوولين وزارت اطلاعات که در پاسخ به سوال برخي اعضاي کمیسیون درباره ي ابهامات و شبهاتي که نسبت به کيفرخواست و جوابيه ي آقای مرتضوي درباره ي عملکرد وزارت اطلاعات داشتند توضيح دادند، که درباره ي ابهامات و شبهاتي که به مسوولان رسيدگي پرونده و هيات سه نفره نسبت داده شده است، توضيحاتي داده ايم و همچنين اعلام آمادگي کردند که کتبا جواب را در اختيار کمیسیون قرار دهند.

مخبر کمیسیون اصل نود مجلس شوراي اسلامي اعلام کرد: در جلسه ي امروز کمیسیون در خصوص جوابيه ي توهين آميز آقای مرتضوي خطاب به رييس مجلس درباره ي کمیسیون اصل نود که نقش نظارتي دارد بحث هايي مطرح شد و اعضاي کمیسیون به اين نتيجه رسيدند که در نامه اي به رييس مجلس خواستار واکنش مناسب و مقتضي هيات رييسه در رابطه با اين جوابيه شوند.

وي افزود: همچنين قرار شد که جلسه ي مشترکي با حضور هيات رييسه و کمیسیون اصل نود در دفاع از شأن نظارتي مجلس تشکيل شود و توهين به شأن نظارتي اين کمیسیون مورد بررسي قرار گيرد.

انتهای پیام

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ايران

موج جديد سرکوب و اعدام همزمان با سفر گزارشگر ويژه آزادي بيان به ايران

ديبرخانه شوراي ملي مقاومت ايران-19 آبان 1382 (10 نوامبر 2003)

رژيم آخوندي همزمان با سفر گزارشگر ويژه آزادي بيان به ايران موج جديدي از اعدام، دستگيري و شلاق زدن جوانان در ملاء عام و هجوم وحشيانه به خانه هاي مردم براه انداخته است. دستگاه قضايي رژيم آخوندي در استان خراسان روز 8 آبان حکم اعدام 25 زنداني را صادر کرد که از اين تعداد تاکنون 9 نفر حلق اویز شده اند.

روز 13 آبان حکم اعدام سه زنداني به اسامي شهاب، ذکراالله و ابراهيم در تهران و کرج صادر شد. ذکراالله و ابراهيم به 179 ضربه شلاق قبل از اعدام محکوم شدند. در تهران ديوان عالي رژيم حکم اعدام يك جوان 20ساله را مورد تايد قرار داد.

پاسدار حمیدگریزان، فرمانده فرارگاه موسوم به مرصاد در شرق ایران اعلام کرد که مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی طی روزهای اخیر، 7 تن را در این منطقه به بهانه شرارت به قتل رسانده و دهها تن را دستگیر کرده اند.

در شیراز فرمانده نیروی انتظامی از دستگیری 200 تن طی روزهای اخیر در این شهر خبر داد. در کرج مأموران رژیم در جریان هجوم به يك جشن تولد 36 جوان را دستگیر کردند. در مشهد نیز 19 زن و 16 مرد به خاطر شرکت در يك جشن دستگیر شدند. در مشهد مأموران سرکوبگر، تعدادی از جوانان این شهر را به اتهام شرارت دستگیر و به منظور تحقیر، در سطح شهر گرداندند. پاسدار یوسف زاده، معاون اطلاعات نیروی انتظامی در مشهد، تعداد دستگیر شدگان را 137 نفر اعلام کرد و گفت: برخی از دستگیرشدگان در مکانهایی چون سیس آباد، قلعه وکیل آباد، گاز، پنج راه پایین، بلوار مصلی و قاسم آباد گردانده شدند. در همدان نیز شش تن از جوانان به صورت تحقیرآمیزی در محله های شهر گردانده شدند. مقاومت ایران توجه مراجع بین المللی مدافع حقوق بشر بویژه اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد را به تشدید نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران جلب نموده و خواستار محکومیت جنایات رژیم آخوندی می باشد.

تورپسم و سلاحهای کشتار جمعی

البرادعی گزارش داد: ایران به تولید مقدری پلوتونیوم قابل استفاده در بمب هسته‌ای اعتراف کرد
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، امروز با انتشار گزارش خود درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اعلام کرد: ایران نسبت به تولید مقدار اندکی پلوتونیوم که در ساخت بمب هسته‌ای کاربرد دارد اعتراف کرد.

به گزارش سرویس دیپلماتیک خبرگزاری کار ایران، ایلنا، "محمد البرادعی" در این گزارش که صبح امروز در میان 35 عضو شورای حکام توزیع شد آورده است: ایران به تولید اورانیوم کمتر غنی شده با استفاده از دستگاه‌های گریز از مرکز و نیز عملیات غنی‌سازی به وسیله لیزر اعتراف کرده است. این گزارش همچنین می‌افزاید: ایران در گزارش خود به آژانس در مورد مواد، وسایل مربوط و فعالیت‌های پرتوزا که در برگیرنده ماده هسته‌ای است کوتاهی کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ایران همچنین به تعداد محدودی آزمایش اورانیوم "هگزافلوراید" که در سال‌های 1999 و 2002 انجام داده بوده اعتراف کرد. البرادعی هفته گذشته اعلام کرده بود: گزارش ایران به آژانس شامل موارد نقض تعهدات هسته‌ای و یک سری کوتاهی‌هاست. پایان پیام

اخبار متناقض رسانه‌ها از گزارش آژانس انرژی اتمی
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

به رغم انتشار اخباری کاملاً مثبت از گزارش آژانس انرژی اتمی در رسانه‌های ایران، برخی رسانه‌های عربی، این گزارش را به شکل دیگری منعکس کردند. به گزارش سرویس بین‌الملل «بازتاب» سایت «ایلاف» در این زمینه نوشت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی محرمانه اعلام کرد: ایران اعتراف کرده است که مقدار کمی پلوتونیوم، که در تولید بمب هسته‌ای استفاده می‌شود، تولید کرده است. این گزارش می‌افزاید: ایران برخلاف اظهارات گذشته، اعتراف کرده که با استفاده از مقدار کمی UF6 در سال‌های 1999 و 2002 در شرکت برق کالا، آزمایش‌هایی انجام داده است. ایران همچنین اعتراف کرده که به دلیل برخی مشکلات، نتوانسته است عملیات ایجاد تغییر و تحول در ساخت و فعالیت‌های اشعه‌ای را - که نتیجه آن تولید مواد هسته‌ای از جمله مقدار کمی پلوتونیوم است - اعلام کند.

بنا بر این گزارش، تهران مصون ماندن از برخی مصوبات غیرقانونی بین‌المللی را به عنوان دلیلی برای اعلام نکردن این برنامه برشمرده است. ایران اعتراف کرده که با استفاده از دستگاه گریز از مرکز و عملیات غنی‌سازی با لیزر، مقداری اورانیوم غنی‌شده ضعیف تولید کرده است.

این در حالی است که خبرگزاری فارس در این باره نوشت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد تاکنون هیچ نشانه‌ای مبنی بر تلاش ایران برای تولید سلاح‌های هسته‌ای نیافته است اما نمی‌تواند بگوید که برنامه هسته‌ای این کشور کاملاً صلح‌آمیز است.

بر اساس متن سند محرمانه‌ای که توسط دیپلماتها برای خبرگزاری فرانسه خوانده شده است، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی يك رشته از نقض‌های صورت گرفته از سوی ایران را در مورد توافق‌های بین‌المللی نظارت هسته‌ای گزارش داده است.

در این گزارش آمده است که «ایران بسیاری از جنبه‌های فعالیت‌های هسته‌ای خود را پنهان کرده که این امر به نقض تعهدات آن برای پیروی از پادمان (مقررات ایمنی) پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای منجر شده است.»

در ادامه این گزارش آمده است: «هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه مواد هسته‌ای و فعالیت‌های اعلام نشده و گذشته ایران به برنامه تولید سلاح‌های هسته‌ای مرتبط است، وجود ندارد.» بر اساس این سند محرمانه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان در حال تحقیق درباره این موضوع است که آیا ایران برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را مخفی کرده است؟ این گزارش به نشست هفته آینده شورای حکام این آژانس متشکل از 35 عضو ارائه خواهد شد. بر اساس این گزارش، ایران از ماه اکتبر «سیاست شفافیت کامل را اتخاذ کرده و تصمیم گرفته است تصویر کاملی را از همه فعالیت‌های هسته‌ایش به آژانس ارائه دهد.» بنا بر این گزارش، «از آن زمان تاکنون ایران همکاری فعال و صداقت نشان داده و این یک تحول مورد استقبال است.»

در ادامه این گزارش آمده است که پیش از ماه اکتبر، همکاری ایران «محدود و واکنش‌پذیر» بوده است. در همین حال ایسنا خبر مذکور را به این شکل مخابره کرد: «رویتر» به نقل از گزارشی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد: هیچ نشانه‌ای از برنامه تسلیحاتی مخفیانه در ایران یافت نشده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، طبق نوشته این خبرگزاری در گزارش آژانس ادعا شده است: اما با توجه به مخفی کاری ایران در گذشته، مدتی طول می‌کشد تا آژانس نتیجه بگیرد که برنامه هسته‌ای ایران منحصرًا صلح‌آمیز بوده است.

در این گزارش همچنین آمده است: ایران تصدیق کرده است که مقدار اندکی پلوتونیوم تولید کرده است. گزارش خبرگزاری رویتر ادامه می‌دهد: ایران پذیرفته است که مقادیر اندکی از اورانیوم کمتر غنی شده را که در سانتریفوز و مراحل غنی‌سازی لیزری به کار می‌رود، تولید کرده است و در گزارش تعدادی از تبدیلات، تولیدات و فعالیت‌های پرتوافشانی شامل مواد هسته‌ای از جمله جداسازی مقدار اندکی از پلوتونیوم کوتاهی کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم چنین اعلام کرد: ایران همچنین تصدیق کرده است آزمایش‌های محدودی با استفاده از مقادیر اندکی اورانیوم (هگزافلورید) در سال 1999 و 2002 در کارخانه کلایه الکتریک انجام گرفته است.

در ادامه این گزارش ادعا شده است: این آزمایش‌ها شامل 1/9 کیلوگرم اورانیوم هگزافلورید است - شکل شیمیایی اورانیومی که در روند غنی‌سازی به کار می‌رود - که ایران پیش از این با نسبت دادن آن به ذرات نشت شده از سوپاپ سعی در مخفی کردن آن داشت.

براساس گزارش ایسنا آژانس هم چنین اعلام کرد: ایران پذیرفته است که در سال 2000 در لشکرآباد کارخانه غنی‌سازی اورانیوم لیزری را برپا کرده است که از دید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مخفی نگه داشته شده است.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

جنگ سلامت مردم عراق را به خطر انداخته است

بی بی سی - سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

بروز جنگ در عراق باعث شده است که بهداشت مردم این کشور به مخاطره افتد. براساس گزارشی که اخیراً انتشار یافته است، بروز جنگ در عراق و تأثیراتی که بر شبکه بهداشتی و خدمات درمانی و همچنین شرایط زندگی در اکثر نقاط آن کشور باقی نهاده ممکن است سلامت مردم عراق را برای چندین نسل دستخوش اختلال کرده باشد.

پزشکان و پرستاران فعال در سازمان "مداکت"، که یک موسسه خیریه مستقر در بریتانیا است، در گزارش خود گفته‌اند که مهمترین مشکلی که جنگ پدید آورده نابوده شبکه‌های آبرسانی و نظام بهداشت شهری بوده است.

همچنین، آتش سوزی در چاه‌های نفت و دود ناشی از آن بر سلامت مردم تأثیر منفی داشته است. در اثر بروز جنگ، نظام خدمات درمانی عراق مختل شده و بسیاری از بیماران از دریافت اینگونه خدمات محروم مانده‌اند و جان آنان به خطر افتاده است.

به گفته این سازمان، حدود دویست و پنجاه هزار کودک عراقی نیز با آغاز جنگ علیه بیماری سرخک واکسینه نشده‌اند و در معرض ابتلای به این بیماری قرار گرفته‌اند.

پزشکان عراقی نیز گفته‌اند که نرخ سوء تغذیه به دو برابر افزایش یافته و امراض ناشی از مصرف آب آلوده رو به گسترش بوده است.

کودکان، زنان و افراد سالمند بیش از سایرین با مشکلات بهداشتی مواجه‌اند.

در عین حال، خروج سازمان‌های بین‌المللی آرایه خدمات بشردوستانه از عراق، که به دلیل ادامه ناامنی در آن کشور کار خود را تعطیل کرده‌اند، باعث شده است تا گردآوری آمار دقیق در مورد شرایط بهداشتی مردم عراق دشوار شود.

ژنرال ریکاردو سانچز، فرماندهی نیروهای ائتلاف در عراق اذعان داشت، حملات نظامی علیه نیروی آمریکا در عراق اخیراً افزایش یافته است و 60 درصد از این عملیاتها در مرکز بغداد رخ می‌دهند.
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از شبکه‌ی تلویزیونی الجزیره، ژنرال سانچز که فرماندهی نیروهای آمریکایی در عراق است، در یک کنفرانس خبری اظهار داشت: به دنبال افزایش عملیات‌های نظامی در عراق که اخیراً سیر صعودی داشته است، نیروهای ما توانسته‌اند بیش از 5000 تن از افراد مظنون به انجام این عملیاتها را دستگیر کنند.
سانچز افزود: نیروهای ائتلاف در حال حاضر در صدد انتقال و تحویل مسوولیت‌های امنیتی به نیروهای عراقی هستند و این اقدام را زمانی که این نیروها آموزش‌های دوره‌ی خود را به پایان برسانند، به مرحله‌ی عمل خواهند گذاشت.
وی همچنین تأکید کرد: مردم عراق مطمئناً در آینده مسوولیت امنیتی کشورشان را خود بدست خواهند گرفت.

فرمانده نیروهای ائتلاف در عراق تصریح کرد: عملیات تخریبی در عراق و افزایش عملیات مسلحانه در این کشور علیه نیروهای آمریکا، نه تنها به واسطه‌ی باقیمانده‌های نظام سابق عراق انجام می‌گیرد، بلکه بواسطه‌ی صدها تن از نیروهای خارجی که از مرزهای کشورهای هم‌جوار عراق وارد این کشور می‌شوند، انجام می‌گیرد و تابعیت این افراد اکثراً یمنی، مصری، سودانی و سوریه‌ای می‌باشد.
سانچز تأکید کرد: به رغم وجود برخی از باقیمانده‌های نظام سابق در عراق و سازماندهی برخی از حملات نظامی توسط این افراد، این نظام هرگز برای بار دیگر در عراق به قدرت نخواهد رسید و ما در مبارزه با نیروهای مقاومت در عراق تأکید و اصرار داریم و تا زمان نابودی این گروه‌ها همچنان به مبارزه و تلاش‌های خود ادامه خواهیم داد.

این ژنرال آمریکایی هم‌چنین با اشاره به حمله‌ی نیروهای نظامی آمریکا به شهر سامراء و استفاده از گلوله‌های خمپاره در این حمله گفت: نیروهای آمریکایی چنین حمله‌ی را انجام نداده‌اند و هیچ شرکت یا دخالتی در آن نداشته‌اند.

به گزارش ایسنا، ژنرال سانچز هم‌چنین به خبرنگاران گفت: اخیراً حدود 20 تن را که مظنون به عضویت در القاعده هستند، دستگیر کرده‌ایم و هنوز در حال بازجویی از آنها می‌باشیم.
وی افزود: هنوز کاملاً نمی‌دانیم که آیا آنها از اعضای القاعده هستند یا خیر.
سانچز در پاسخ به این سوال که تا چه اندازه به دستگیری صدام نزدیک شده‌اند، گفت: نه چندان نزدیک.

وی تأکید کرد: تردیدی نیست که شورش‌ها در عراق تشدید شده و مبارزان توان خود را بهبود بخشیده‌اند و در حملات اخیرشان از نارنجک و خمپاره راکت استفاده می‌کنند. انتهای پیام

گروه های اسلام گرای کرد عراق

علی صبری: منبع: الجزیره- روزنامه شرق - چهارشنبه 21 آبان 1382 - 12 نوامبر 2003

دوم تداوم بازداشت علی بابیر، رهبر این گروه خواهد بود. مسئله‌ای که گروه یاد شده را به سمت گفت و گوئی آرام و بی صدا با آمریکایی‌ها می‌تواند سوق دهد تا به منظور پیشگیری از یک انتحار، با واقعیت‌ها کنار بیایند. تداوم بازداشت بابیر، موضع جناحی که تحول سیاسی را در این گروه برنمی‌تابد، تقویت خواهد کرد و در مقابل آزادسازی سریع تر او، گروه مذکور را به سمت شیوه‌های سیاسی و کنار گذاشتن سلاح سوق خواهد داد. اما حرکت اسلامی، به نظر می‌رسد خارج از محاسبات نیروهای حاضر از صحنه باشد. زیرا این گروه از نوعی فقدان وزن سیاسی و نظامی رنج می‌برد. طبعاً در برابر تحمیل‌های موجود مبنی بر تحویل دادن سلاح خود و تبدیل شدن به یک حزب سیاسی چندان مقاومتی نمی‌تواند داشته باشد.

به هر حال اتحاد اسلامی کردستان بیشترین سود را از شرایط موجود خواهد برد. این حزب که تاکنون مسلح عمل نکرده، می‌تواند با برخورداری از شرایط موجود بر محبوبیت پیشین خود افزوده و شاید دستاوردهای بزرگی را هم در آینده داشته باشد. به ویژه در صورتی که سایر احزاب از جمله اتحادیه میهنی کردستان خلع سلاح شوند. این گروه شرایط غیرمنصفانه‌ای را بر قلمرو بازی سیاسی تحمیل می‌کرد و تقریباً قدرت را در منطقه در اختیار خود در آورده بود. اما وقتی رقابت به رقابتی سیاسی و عادلانه تبدیل شود آن وقت حرف آخر را صندوق‌های رأی خواهند زد.

به این ترتیب انتظار می‌رود دستاوردهای اتحاد اسلامی کردستان بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که بعضی ناظران از جمله «فریدالله سرد» مدیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های استراتژیک سلیمانیه به آن باور دارند. زیرا او معتقد است اتحاد اسلامی دستاوردهای خود را مدیون شکست قدرت‌های حاکم بر سلیمانیه و اربیل است که نتوانستند سطح معیشتی مناسبی را طی دوازده سال گذشته برای شهروندان کردی فراهم سازند. در صورتی که حکومت ثابتی در عراق تشکیل شود و خواسته‌های شهروندان را پاسخ دهد، اتحاد اسلامی نیز بدون تردید بخشی از برگ‌های خود را از دست خواهد داد. زیرا بخشی از محبوبیت خود را مدیون کمک‌رسانی به شهروندان و فعالیت‌های اجتماعی در منطقه بود. به نظر «فرید» گرایش‌های حزبی و سیاسی به طور کلی در کردستان تغییر خواهد کرد. زیرا احزاب منبع درآمد زیادی از مردم را تشکیل می‌داد که چه در درون حزب و نهادهای آن و یا در درون نهادهای دولتی فعالیت می‌کردند. در حالی که با تشکیل شدن یک دولت پایدار، شهروندان حقوق

ثابتی را از نهادهای دولتی بگیرند آن وقت دیگر وابستگی به احزاب یکی از گزینه ها و نه تنها گزینه آنها به حساب خواهد آمد. این مسئله می تواند به کلی بر روند فعالیت احزاب کردستان اثر بگذارد. در خصوص جماعت اسلامی، واقعیت های تازه، این گروه را ناچار خواهد ساخت که از حالت مسلح به حالتی غیرمسلح تغییر شکل دهد یا به صورت گروه های کوچک و غیرکارآمدی باقی بماند که ناچار به فعالیت های زیرزمینی خواهد شد. اما گروه هایی که به جای فعالیت های مسلحانه، فعالیت های سیاسی را در پیش گیرند، فرصت بهتری برای آینده خواهند داشت.

مداخله رژیم ایران در عراق

فرمانده نیروهای اوکراینی در عراق: مشکل بزرگ ما عبور غیرقانونی ایرانی ها از مرز عراق است
سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

فرمانده نیروهای اوکراینی امروز ادعا کرد: قصد داریم جلوی عبور غیرقانونی ایرانی ها از مرز عراق را بگیریم.

به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ژنرال "آناتولی سوبورا" گفت: مشکل بزرگ ما عبور غیرقانونی از سوی مرزهای ایران به عراق است و ما برای فیصله دادن به این معضل، بر تعداد نیروها و بالگردهای خود خواهیم افزود.

به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (سپا)، وی افزود: آن دسته از نیروهای ما که مسئول نگرانی از مرزها هستند با آغاز سال جدید میلادی بر حجم گشت زنی های مرزی خواهند افزود تا جلوی عبور و مرور غیرقانونی از طریق مرز ایران را بگیرند.

سوبورا با اشاره به اینکه نیروهای اوکراینی در حال حاضر دارای 10 بالگرد هستند، اعلام کرد: تا اوائل سال 2004 این تعداد به دو برابر افزایش می یابد تا بالگردها بتوانند 140 کیلومتر از منطقه مرزی ایران با عراق را پوشش دهند. پایان پیام

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 20 آبان

بی بی سی - سه شنبه 20 آبان 1382 - 11 نوامبر 2003

روزنامه های سه شنبه تهران در عنوان های اصلی خود خبر داده اند که ایران در نامه ای به آژانس بین المللی انرژی اتمی فعالیت های خود برای غنی سازی اورانیوم را متوقف کرد.

ایران و انتخاب همراه خبر اعلام رسمی توقف فعالیت های غنی سازی اورانیوم عکسی از دبیر شورای عالی امنیت ملی چاپ کرده اند که در کاخ کرملین به دیدار رییس جمهوری روسیه رفته است. به نوشته روزنامه **جمهوری اسلامی** پوتین در دیدار با حسن روحانی اعلام کرده است که دولت روسیه برای ادامه همکاری های هسته ای خود با ایران تحت تاثیر فشارهای دولت های دیگر قرار نمی گیرد.

اعتماد در گزارشی نظر عده ای از فعالان سیاسی را درباره آخرین اظهار نظر رییس جمهوری آمریکا درباره خواست های دموکراتیک مردم ایران را با عنوان «دموکراسی وارداتی نیست» در صدر اخبار خود آورده است.

به نوشته **اعتماد** فریبرز رییس دانا گفته است بهانه بوش برای مداخله در کشورهای دیگر دموکراسی است. نتو محافظه کاران بهانه جویی می کنند و اقدامات داخلی حاکمیت های دیکتاتور هم اجازه می دهد که آن ها از این حربه استفاده کنند. اتفاقا بسیاری از اهالی خاورمیانه نیز فریب می خورند. این فعال سیاسی به نوشته **اعتماد** گفته است آخرین باری که بوش از دموکراسی سخن گفت پیش از آغاز حمله نظامی ایالات متحده به عراق بود که به ملت عراق وعده داد که نظامیان ایالات متحده برای نابودی صدام و تحقق دموکراسی به عراق می روند. این وعده بیست روز بعد رنگ واقعیت به خود گرفت.

محمد فوچانی در مقاله ای در **شرق** با اشاره به تجربه های عراق و کره شمالی در برابر آمریکا نوشته ایران در میانه آن دو کشور قرار گرفته در حالی که مانند کره بمب اتمی در اختیار ندارد و همچون صدام سر سنتیز با نظام بین الملل ندارد.

به نظر سردبیر **شرق** بعد از پذیرش نماینده ویژه حقوق بشر در تهران، حکومت قدم در راه بی انتهای است که در آن قواعدی مشخص مقصدی نامعلوم را رقم می زند. اینک ما وارد بازی ای شده ایم که باید تا انتها برویم.

سرمقاله **شرق** با تاکید بر این که ایران نه مانند کره است و نه عراق صدام نوشته کافی است حکومت به همان اندازه که به لیگابو توضیح می دهد به روشنفکران، حقوقدانان و نهادهای ملی و مدنی خود توضیح دهد تا نه تنها کسی سودای حمله به ایران را در سر نپرورد بلکه بتوانیم وارد نظام بین الملل شویم.

یاس نو از گزارش مخبر کمیسیون ویژه مجلس درباره فعالیت های غیر قانونی قوه قضاییه خبر داده که در به وجود دادرسانی دائمی در زندان اوین اشاره شده که خلاف قانون در محوطه زندان به کار خود ادامه می دهد و در نتیجه نه وکلا و نه هیچ کس دیگر امکان مراجعه به آن جا را ندارد.

محسن آرمین گفته است دادسرای مستقر در اوین پس از حوادث خرداد و تیر ماه گذشته تشکیل شد که به پرونده دستگیرشدگان در این روزها رسیدگی کند و حالا به صورت دائم کار می کند. در پایان دیدار ده روزه نماینده ویژه حقوق بشر در مورد آزادی بیان در تهران روزنامه های مختلف سخنان آمیخته لیگابو را منعکس کرده اند که بیشتر روزنامه های هوادار محافظه کاران را خوش آمده که آن را در صفحات اول خود منعکس کرده اند.

به نوشته **شرق** فرستاده ویژه سازمان ملل در مصاحبه مطبوعاتی خود چنین پیدا بود که از مسائل داخلی ایران اطلاع چندانی ندارد و و چند باری گفت ایران هم مانند کشورهای دیگر مسائل خود را دارد. **یاس نو** ضمن انتشار خبر پایان سفر نماینده ویژه سازمان ملل نوشته که وی در آخرین روز دیدارش در زندان اوین با اکبر گنجی و هاشم آغاچری دیدار و گفتگو کرد که عکس هائی از این دیدار تنها در نشریه اداره زندان ها چاپ شده است.

انتخاب از زبان یک نماینده اقلیت محافظه کار مجلس با اشاره به فشارهای بین المللی برای رعایت حقوق بشر در ایران نوشته که در کشور هیچ گاه حقوق بشر نقص نشده است و دلیلی ندارد که شرایط تازه را قبول کنیم.

یاس نو در کاریکاتوری از بزرگمهر حسین پور، هاشم آغاچری را مجسم کرده که از پنجره های زندان به خارج از زندان جائی که سر در دانشگاه تهران در آن پیداست نگاه می کند و می بیند که به شکل و قیافه هستند

انتخاب خبر داده آیت الله مکارم شیرازی در فتوائی که به درخواست عده ای از دانشجویان صادر کرده نوشته است حرمت مصافحه زنان با افراد نامحرم از مسلمات فقه شیعه است.

رسالت از مشابه این فتوا از سوی آیت الله نوری همدانی خبر داده چنانکه در روزهای گذشته آیت الله صافی گلپایگانی و فاضل لنکرانی نیز به دنبال مخالفت محافظه کاران با مراسم بزرگداشت شیرین عبادی در دانشگاه امیرکبیر به دادن چنین فتواهائی دست زده بودند.

روزنامه **جمهوری اسلامی** سه روز پیش در خبر کوتاهی نوشته بود که عده ای توانسته اند از آیت الله منتظری در این مورد فتوائی بگیرند که در آن نوشته شده دست دادن زن مسلمان با مرد اجنبی اگر قصد التذاذ در میان نباشد حرام نیست.

آفتاب یزد در مقاله ای با اشاره به تهیه برنامه بیست ساله توسعه کشور نوشته چشم انداز این برنامه می گوید که ایران در سال 2004 پیش رفته ترین کشور منطقه خواهد بود.

به نوشته سردبیر روزنامه **آفتاب یزد** پیشرفت در جهان امروز مستلزم پیش شرط هائی است مانند احساس وظیفه نسبت به روابط خارجی و در حالی که روزنامه **کیهان** می نویسد که ایران باید ادامه فعالیت شرکت نفتی توتال را منوط به رفع محدودیت حجاب دختران در مدارس فرانسه کند چگونه چنین کاری متصور است.

به نوشته **آفتاب یزد** با اشاره به طرح فوری وزارت نفت برای واردات بنزین که هفته گذشته مجلس فوریت آن را نپذیرفت نوشته وقتی وزارت نفت نمی تواند مصرف یک سال بنزین را پیش بینی کند چشم انداز بیست ساله آینده چطور تهیه خواهد شد؟

اعتماد در سرمقاله خود نوشته که برای اولین بار در سال های اخیر دو موضوع غیر سیاسی ذهن جامعه را به خود مشغول کرده است اول موضوع بهای سوخت و سیاست هائی که باید برای جلوگیری از مصرف بی رویه اتخاذ کرد و دیگر افزایش باورنکردنی تصادف های جاده ای که به نظر کارشناسان در هر دو این موارد به نقطه بحرانی نزدیک شده ایم.

کوناگون

بیانیه راهبردی پنجمین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی

24 و 25 مهرماه 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

پنجمین کنگره سراسری جبهه مشارکت ایران اسلامی با شرکت اعضای کنگره یعنی شورای مرکزی، دفتر سیاسی، هیات اجرایی، هیات داور، نمایندگان کمیته ها، شاخه ها و مناطق سراسر کشور برای تبیین مسایل مهم داخلی و خارجی و تعیین خط مشی جبهه در قبال آنها در تاریخ 24 و 25 مهرماه 1382 در تهران برگزار شد.

آنچه در پی می آید، رئوس مسایل، سیاست ها و برنامه های است که در این کنگره مورد نقد و بررسی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی مناطق نهایتاً به صورت بیانیه راهبردی جبهه مشارکت ایران اسلامی از سوی شورای مرکزی صادر شد.

بخش اول این بیانیه به توصیف وضع سیاسی کشور اختصاص دارد و بخش دوم به تبیین دیدگاه ها، رویکردها و مواضع جبهه در برابر مسایل مهم کشور و راه های برون شد از وضعیت کنونی در عرصه های مختلف می پردازد.

امید است که طرح روشن این مسایل و مواضع بتواند به پیشبرد جنبش اصلاحی کشور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی کمک کند و چشم‌انداز امیدبخشی برای همفکری، نقد و همکاری همه آنانی که به سربلندی ایران و استواری مردمسالاری دینی می‌اندیشند، بگشاید.

بخش اول: توصیف وضع کنونی و مسایل اساسی پیش رو

1-1- مسأله اساسی

بیش از يك قرن است که حاکمیت قانون، ارتقای سطح زندگی ایرانیان متناسب با پیشرفت جوامع صنعتی، رفع تحقیر و تبعیض‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، نیل به آزادی و استقلال و برخورداری از حقوق شهروندی و ... از جمله خواسته‌های مشهود مردم ماست. ایرانیان برای تحقق این خواسته‌ها، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی عظیمی چون انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، قیام 15 خرداد و انقلاب اسلامی را آفریده‌اند و در بسیاری از زمینه‌ها، پیشرو کشورهای منطقه بوده‌اند. در تداوم این تلاش‌ها، جنبش اصلاح‌طلبی دوم خرداد، حرکتی برجسته و پرمعناست که برانگیزنده امیدهای بیشتری در میان مردم بوده است. در واقع، انتظار جهش جدیدی در سطح ملی و بین‌المللی به وجود آمده بود، زیرا علل اصلی ناکامی‌ها و عدم تحقق مطالبات مردم در نهضت مشروطه و نهضت ملی، که ساخت ضعیف اجتماعی تا حدود قابل‌توجهی در این مقطع بر طرف شده بود و شاخص‌هایی نظیر شهرنشینی، سواد و آموزش، ارتباطات، اقتصاد صنعتی و طبقه متوسط جدید در جامعه تأثیرگذارتر شده بودند. حتی در قیاس با وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی که سرفصل تاریخ نوین ما بود، فرصت‌های تازه‌ای پیش روی کشور قرار گرفته بود. انقلاب اسلامی دستاوردهای بزرگی در کسب استقلال و آزادی و ارائه جمهوری اسلامی به عنوان سرمشق جدیدی برای اعمال حاکمیت مردم به همراه داشت اما در عمل با دشواری‌های ویژه‌ای چون تروریسم، جنگ تحمیلی هشت‌ساله، فقدان یا ضعف دیدگاه‌ها و سازوکارهای تجربی و تخصصی و مسایلی از این دست روبرو بود. در عین حال خیزش اصلاحی مردم در دوم خرداد در حالی رخ داد که بنیان‌های اجتماعی کشور قوی‌تر شده بود، جنگ عراق و ایران و جنگ سرد پایان یافته بود و در نظام جمهوری اسلامی نیز باز شدن راه رقابت قانونمند سیاسی و به میدان آمدن حماسی و آگاهانه مردم امکان طرح دیدگاهی نو از سوی شخصیتی متفکر و آزادخواه چون سیدمحمد خاتمی فراهم شد و با انتخاب وی به عنوان رئیس‌جمهور، علایم ترمیم و اصلاح‌پذیری نظام سیاسی به ویژه برای قشرهای فرهیخته و شهروندان جویای تحول آشکار گردید. اکثریت مردم ایران دو بار با حمایت گسترده از رئیس‌جمهور و تشکیل مجلس ششم با اکثریت قاطع نمایندگان اصلاح‌طلب، به این امید دامن زدند که مطالبات تاریخی بر حق ملی به شیوه‌های قانونی، اصلاحی و کم‌هزینه و از طریق ساختارهای موجود سیاسی تأمین خواهد شد. بدین سان یکبار دیگر، ایران به کانونی امیدآفرین، کشوری ممتاز و مثال‌زدنی در میان کشورهای دیگر تبدیل شد. به رغم پیدایش آن همه امید، در سطوح مختلف جامعه، باید اذعان کرد که متأسفانه امواج این امید به میزان زیادی فروکش کرده است و بروز یاس و سرخوردگی در میان مردم، مشخصه بارز جامعه‌سیاسی ایران در شرایط کنونی شده است. انسدادهای سیاسی و حقوقی در مسیر تحقق مطالبات مشروع مردم در کنار شکافی که میان توقعات به وجود آمده و خواسته‌های تاریخی با امکانات و واقعیت‌های کنونی کشور وجود دارد. بر این پایه، مسأله اساسی که اینک در برابر فرهیختگان، نیروهای سیاسی و عموم دلسوزان ایران مطرح است، شناخت عوامل پیدایش و رشد وضع یاس‌آمیز کنونی و چگونگی برون‌رفت از آن است.

1-2- ریشه‌ها و نگاه‌های حقوقی

نگاهی به زوایا و ریشه‌های مسایلی که جامعه ما در زمینه‌های مختلف با آنها روبروست به خوبی نشان می‌دهد که مسأله اصلی کشور ما استقرار مردمسالاری، مهار قدرت و حاکمیت قانون است و بی‌اعتنایی به آن با هر منطقی که باشد ایجاد انسداد سیاسی و حقوقی می‌کند و به این پدیده ابعاد گسترده‌تری نیز می‌دهد.

تفسیر مردمسالارانه قانون اساسی و تعریف و تنظیم مناسبات میان ارکان و اجزای نظام با محوریت اصول قانون اساسی و عمل تمامی ارکان نظام در آن چارچوب، راه رفع این انسداد است. در نگرش و روش اصلاح‌طلبانه، عمل در چارچوب‌ها و روندهای قانونی نه تنها موجب تضعیف هیچ رکنی از نظام سیاسی نمی‌شود، بلکه موجبات تقویت ارکان آن را هم فراهم می‌کند. در نظام‌های نوین سیاسی، هم به حکم مبانی دیرین حقوقی و هم به اعتبار تجارب جدید بشری مهمترین عامل تعیین‌کننده رابطه میان دولت و ملت و موثرترین سازوکار انسجام بخشیدن به مناسبات میان ارکان حکومت، تبعیت از موازین حقوقی در چارچوب قانون اساسی و قرار نگرفتن هیچ نقشی فراتر از آن است. متأسفانه آنچه در طول سال گذشته حتی به نسبت سالیان پیش تشدید شده است، محدود شدن نقش و اثربخشی نهادهای انتخابی کشور از یکسو و بیطرفانه عمل نکردن نهادهای اجتماعی و داوری‌های انتصابی در عرصه رقابت‌های سیاسی از سوی دیگر است. نتیجه‌گری ناپذیر این وضع، پائین آمدن کارایی نظام مدیریتی و اجرائی کشور و بالا رفتن شکاف‌ها و فاصله‌های حکومت - ملت است، که طبیعتاً به موقعیت جهانی جمهوری اسلامی نیز آسیب می‌رساند.

نمونه بارز پیدایش چنین وضعیتی، تمسک به دلایل غیرحقوقی از سوی شورای نگهبان برای رد برخی لوایح و طرح‌های مهم مصوب مجلس و نیز عدم تصویب برخی از آنها در مجمع تشخیص مصلحت نظام است که دلیل اصلی آن جهت‌گیری سیاسی اکثریت اعضای هر دو نهاد به سوی اقلیت موجود در

جامعه است، نتیجه آنکه عملاً حق و امکان قانونگذاری اکثریت نمایندگان مردم در مجلس تا حدود زیادی منتفی شده است.

در موارد دیگری حتی به استناد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی - که نه تنها مرجع قانونی در قانونگذاری نیست، بلکه باید همه مصوبات آن با قانون مجلس انطباق داشته باشد- مصوبات مجلس مردود شمرده شده است.

تأسف‌انگیزتر اینکه اکنون عده‌ای حتی پا را فراتر از این گذاشته‌اند و ظن به اینکه مقام رهبری درباره موضوعی نظری داشته باشند را عین قانون می‌خوانند و طبق برخی نظرات شورای نگهبان آنچه در قانون اساسی آمده است کف اختیارات به حساب می‌آید. با طرح این گونه تفاسیر اصل تفکیک قوا و مهم‌تر از آن اصل محدودیت و پاسخگو بودن ارکان قدرت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور شده است، مورد مناقشه قرار می‌گیرد و در عمل موجبات تضعیف قانون اساسی، تضعیف جایگاه رهبری و تضعیف قوا و نهادهای منتخب مردم را فراهم می‌کند.

با توجه به این نگرش و رویه حقوقی در سالهای اخیر باید اذعان داشت که هرگونه سیاست‌ورزی برای اشخاص و تشکلهای مستقل و منتقد که مایل باشند در چارچوب قانون اساسی فعالیت کنند، بسیار دشوار شده است. اکنون روشن است که تحقق هر گونه اصلاح در ساخت حقوقی قدرت که در بر گیرنده مصالح نظام جمهوری اسلامی و منافع مردم باشد و دمکراتیزه شدن این ساخت و موثر بودن رأی مردم را در پی داشته باشد، منوط و مشروط به تغییر نگرش‌ها و رویه‌هایی است که در سالهای اخیر در برابر منتخبان مردم اتخاذ شده است.

اگر تفسیر قانون اساسی از سوی بخشی از حاکمیت در قالب یک برداشت خاص و جناحی محدود بماند، نقش‌های فراقانونی حتی فراتر از قانون اساسی به مناسبت‌های مختلف استخراج می‌شود. در وضعیتی که تعداد و شرایط داوطلبان عضویت در مجلس خیرگان و رسیدگی به صلاحیت آنان نیز توسط همین پینش انجام شود، اعلام نظر درباره صلاحیت داوطلبان عضویت در مجلس و ریاست جمهوری نیز تحت تأثیر همین وضعیت باشد، جایی برای رقابت قانونمند سیاسی باقی نمی‌ماند. در چنین شرایطی طبیعی است که موفقیت مجلس و دولت تا حدود قابل‌توجهی تحت تأثیر نظر و عمل شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوه قضائیه، صدا و سیما و نهادهای دیگر که با این روش تنها یک پینش را نمایندگی می‌کنند، قرار گیرد.

در این وضعیت که ساخت حقوقی کشور عملاً با انسداد مواجه است و همین انسداد در میان جامعه سیاسی کشور ایجاد یأس می‌کند، تنها می‌توان با عملکرد مدیریت کلان کشور فضا را تغییر داد و مردم را به رفع انسداد حقوقی دلگرم کرد و مشارکت آنان را در برخی امور به خصوص در عرصه انتخابات انتظار داشت. طبیعتاً تداوم روش‌های غلط بخش‌های وسیعی از مردم را به سوی تغییر ساختار خواهد برد. از این رو به نظر ما انتخابات مجلس هفتم یک نقطه عطف سرنوشت‌ساز باید به حساب آید. چگونگی برگزاری این انتخابات می‌تواند نشان دهد که آیا مردم در پی اصلاح رفتارها هستند و با آن راضی خواهند شد یا به دلیل ایستادگی‌های نابجا، به زبان‌های مختلف خواهان تغییر ساختار حقوقی شده‌اند.

1-3- مسایل و رویکردهای سیاسی

انسداد در ساختار حقوقی و اجرایی کشور از طریق مانع تراشی در راه تصویب آن دسته از لوایح و طرح‌هایی که نتیجه آن تحقق بخشی از مطالبات سیاسی شهروندان است، اولین و مهمترین مسأله در جهت ایجاد یأس و انفعال در فضای سیاسی کشور است. دومین مسئله تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه مدنی و در راه فعالیت پیشروترین بخش‌های جامعه، مانند دانشجویان و دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی، روشنفکران و محققان دلسوز از طریق پرونده‌سازی، تهدید، احضار، زندان، اعمال محدودیت در برگزاری اجتماعات و برهم زدن آنها توسط گروه‌های فشار است. نتیجه وقوع و تداوم این وضعیت در انتخابات نهم اسفند بروز کرد. این انتخابات نشان داد مردم امیدوار سال 76 پس از 6 سال در سال 81 از مفید بودن رأی خود در جهت اصلاح امور تا حدود زیادی ناامید شده‌اند. این سرخوردگی، پیام‌ها و پیامدهای گوناگونی دارد که یکی از روشن‌ترین آنها به چالش کشیده شدن ایده «اصلاح امور از درون نظام» و با سازوکارهای قانونی در میان بخش‌های مؤثری از جامعه است که نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب دوم خرداد آن را تا کنون مطرح و پیگیری کرده‌اند.

هم اکنون در برابر الگوی «اصلاح از درون» - نخستین و مهمترین ایده‌ای است که روزی از حمایت اکثریت قاطع مردم (نزدیک به 83 درصد واجدان شرایط) برخوردار بود - رویکردهای دیگری در جامعه سیاسی و در سطح افکار عمومی مطرح شده است. رویکرد افراد و گروه‌هایی که نه تنها با نفی دست‌آوردهای انقلاب و ضرورت پاسداشت موازین استقلال‌طلبانه، بلکه با تخطئه جنبش دوم خرداد و تبلیغ اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران از «آزاد کردن ایران با سیادت و کمک آمریکا» دفاع می‌کنند، الگوی دوم است. آنان گمان می‌کنند که با دامن زدن به اعتراضات مردم در خیابان‌ها و ترغیب آمریکا به فشار نظامی علیه ایران، می‌توانند زمینه فروپاشی سیاسی جمهوری اسلامی را فراهم کنند. به این سبب عملاً از هر گونه انسدادی در مسیر اصلاحات و رویکردهای اصلاح‌طلبانه دولت و مجلس استقبال می‌کنند.

دیدگاه سوم را اپوزیسیون جمهوری‌خواه در خارج از کشور نمایندگی می‌کند. آنها حکومت دینی را در ایران ناقص حاکمیت مردم و آزادی‌های سیاسی می‌شمارند و معتقدند در چارچوب قانون اساسی این نظام و سازوکارهای آن نمی‌توان مطالبات سیاسی و دمکراتیک ایرانیان را پاسخ داد. آنان همچنین از

جنبش اجتماعي ايران با ايده اصلاح امور از درون نظام ناميدند و از تشكيل يك جبهه وسيع از جمهوري خواهان براي رهبري توده ناراضي و از «تاسي به روش هاي نافرمانی مدني و تلاش براي تغيير نظام سياسي» دفاع مي کنند.

نگرش چهارم متعلق به آن گروه از نیروهای مسلمان و آزادی خواه است که از اصلاح امور در درون نظام قطع امید کرده اند. آنان نیز معتقدند به جای تکیه بر قانون اساسی فعلی - که محافظه کاران به علت وجود تناقضات و ابهامات در آن، حاکمیت، حقوق و آزادی شهروندان را مخدوش و نقض کرده اند - باید از پیش نویس قانون اساسی اول دفاع کرد که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی به تأیید امام (ره) هم رسیده بود. به نظر این گروه لازم است يك «رفراندوم آزاد» در دستور کار قرار گیرد تا به جای تکیه بر نظام کنونی که به صورتی بسته در محاصره محافظه کاران قرار گرفته است بر قرائتی از جمهوری اسلامی تکیه کرد که امام (ره) در مراحل مختلف تکوین انقلاب وعده آن را به مردم داده بودند.

4-1 «اصلاح از درون» و چالش های پیش رو

باید پذیرفت که به رغم آنکه «اصلاح از درون» در برابر سه رویکرد یاد شده کم هزینه تر و مناسب تر با خواست های به حق و تاریخی مردم ما است، اما باید پذیرفت که با ایجاد بحران های پیاپی در برابر جنبش اصلاحات، و نیز وجود ضعف ها و کاستی های درونی آن به ویژه در روند متناسب کردن آهنگ اقدامات اصلاحی با مطالبات مردم و نیز تمسک مخالفان اصلاحات به ظواهر و قالب های قانونی برای زمین گیر کردن اصلاحات، این رویکرد عملاً با موانع بسیاری روبرو شده است. جبهه دوم خرداد و نیروهای اصلاح طلب در حالی باید به پاسخگویی درباره «اصلاح از درون» بپردازند که در برابر تصمیم مشخص خود یعنی طرح دو لایحه رئیس جمهور برای خروج ملی از بن بست، هنوز عملاً پاسخ مثبتی دریافت نکرده اند. طرح این دو لایحه حداقلی از مطالبات مردم سالارانه مردم به صورت قانونمند، بود اما در شرایطی که همچنان در برابر تصویب این لوایح و برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی مقاومت می شود و همچنان تهدیدها و پرونده سازی ها علیه عناصر فعال اصلاح طلب و جامعه مدنی استمرار دارد، دعاوی در باب ناکارایی روش اصلاح از درون را باید به عنوان يك مسأله جدی در وضعیت موجود سیاسی ایران تلقی کرد و برای خروج از این وضع چاره جدیدی اندیشید.

ویژگی دیگر وضعیت جدید، پیدایش تهدیدهای فزاینده بین المللی علیه جمهوری اسلامی است. محافظه کاران پس از جنگ سرد و سقوط رژیم های قدرتمند نظامی بلوک شرق به دو نکته آشکار و بسیار مهم توجه نکردند. یکی اینکه عاملی که باعث جلوگیری از سقوط يك حکومت مستقل می شود، قدرت قهریه نیست، بلکه جلب رضایت اکثریت مردم از طریق برآوردن خواسته های آنان با سازوکارهای دموکراتیک است. دوم اینکه همه حکومت ها مخالف دارند و مخالفان باید بتوانند در صورت جلب آرای مردم وارد حکومت شوند و حکومت خانه دائمی تعداد معدودی بازیگر سیاسی نیست و هرکس و هر نیرویی باید آنچه در اختیار دارد تنها از آن خود نداند. در غیر این صورت باید پذیرفت که مشروعیت حکومت به شدت کاهش خواهد یافت. در چنین وضعیت جدیدی، محافظه کاران به این نگرش کلیشه ای تاسی می کنند که اگر مخالفان حکومت مرعوب و مهار شوند، نظام سیاسی، جایگزین نخواهد داشت و حکومت همچنان قدرتمند باقی خواهد ماند. این در حالی است که فرآیندهای نوین جهانی به روشنی به جامعه بین المللی فرصت ها، امکانات و ظرفیت های زیادی برای فشار آوردن بر حکومت های مستقل اما غیردموکراتیک داده است. متأسفانه مخالفان اصلاحات با نقض مستمر حقوق بشر و آزادی های قانونی، نه تنها به موازین روشن اخلاقی و دینی و اصول صریح قانون اساسی بی اعتنائی می کنند بلکه زمینه هایی فراهم کرده اند که صاحبان قدرت نیز آنها را مورد بهانه قرار دهند. واضح است که تداوم نقض حقوق شهروندان هم زمینه های نارضایتی عمومی را در داخل رشد می دهد و هم بر تهدیدها و اعمال فشارها و مداخله های بین المللی می افزاید. اندوهناک تر اینکه این تهدیدات در حالی روندی فزاینده گرفته است که پس از خرداد 76 و با طرح ایده گفتگوی تمدن ها و سیاست تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز دولت آقای خاتمی، ایران به جایگاه والایی در جامعه جهانی دست یافته بود. حال باید هزینه اقدامات انجام شده را در برابر جنبش اصلاحات ارزیابی مجدد کرد که چرا باید ایران از میان دو بیست کشور دنیا به سوزنه تبلیغاتی منفی جدیدی در رسانه های فراگیر جهانی تبدیل شود؟

5-1- چه باید کرد؟

با توجه به برخی مطالبات سیاسی تحقق نیافته مردم، روبه رو شدن رویکرد «اصلاح از درون» با موانع جدی، مطرح شدن نگرش های جایگزین و نیز افزایش تهدیدهای بین المللی از جمله فشارهای سیاسی چه باید کرد؟

ما به رغم همه موانع ایجاد شده در سر راه اصلاحات همچنان مصمم به تغییر وضع موجود به روش اصلاح طلبانه هستیم. ما همچون گذشته به رویکرد اصلاحی در برابر رویکرد محافظه کاری و رادیکال اعتقاد داریم. رویکرد محافظه کارانه را به این دلیل مناسب نمی دانیم که در آن موجبات «وضع موجود سیاسی» از جمله عدم تحقق بخش عمده مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم و نیز رفع نشدن تبعیض های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه نمی شود. تأسف بارتر اینکه برخی از محافظه کاران اکنون از عدم توجه به مطالبات سیاسی و دموکراتیک مردم، همچون گذشته نگرانی ندارند. بسیاری از آنان معتقد هستند که وضع کنونی جامعه اساساً بحرانی نیست، بلکه این اصلاح طلبان هستند که با جاروجنجال، چند سالی فضای سیاسی کشور را آشفته کرده اند. به نظر این گروه در آینده نزدیک که مجلس هفتم تشکیل شد و اصلاح طلبان با تیغ نظارت استصوابی و عدم مشارکت گسترده مردم از مجلس بیرون رفتند، می توان با يك برنامه اقتصادی و معیشتی جدی و با

برقراري رابطه با آمريكا، و با اتكاء به حمايت همان 15 درصد از مردم بر نارضايتيهاي موجود (در ميان 85 درصد بقيه جمعيت كشور) چيره شد.

ما اين ارزيايي را غيرواقعي مي دانيم و اعتقاد داريم كه اگر نظام سياسي به اصلاحات مردمسالارانه تن ندهد، فشارهاي داخلي و خارجي بنيانهاي حكومت را دچار تزلزل خواهد كرد.

ما به برون رفت از وضع موجود از طريق روشهاي راديكال (مورد نظر الگوي دوم) و حتي با تكيه بر روشهاي اصلاحي ولي خارج از ساختار و سازوكارهاي موجود (يعني پيامد الگوهاي سوم و چهارم) به دلايل گوناگون اعتقاد نداريم. اين قبيل روش ها در فضاي امروز ايران نه مطلوب است و نه ممكن. دليل نخست آن است كه اساساً هزينه رويكرد راديكال سنگين و نتايج آن غيرقابل پيش بيني است. افق دموكراسي هم در آن روشن نيست. وقتي افراد يا نيروهايي براي پيشبرد مقاصد خود راضي مي شوند به روشهاي پر هزينه راديكال متوسل شوند، معلوم نيست پس از بيروزي در مقابل مخالفان خود از اين روش دست بکشند. امكان تكرر چنين تجربه اي در جامعه ايران به دلايل مختلف تاريخي، فرهنگي و سياسي از واقعييت هم بدور است. اما به هر حال اعتقاد به آن مي تواند زمينه هايي از اختلال سياسي و اجتماعي را به وجود آورد. البته الگوهاي سوم و چهارم نيز اگرچه روشهاي خود را مسالمت آميز مي دانند اما تاكيد آنها بر تغيير قانون اساسي و ترويج راهكارهاي نافرماني مدني، وضعيت جامعه را در عمل به شرايط راديكال نزديك مي كند.

دليل دوم، آن است كه مخالفان اصلاحات و مردمسالاري فقط در بخش هايي از حاكميت قرار نگرفته اند، بلكه ابزارهاي بسياري مانند رسانه ها و سازمان هاي عمومي و بودجه هاي بي حد و حصر براي بسج نبرو در ميان بخش هايي از مردم دارند. آنان بسيار علاقه مند هستند كه جنبش اجتماعي و اصلاحي ايران به راه هاي غيرمرسوم كشيده شود تا به اين بهانه بتوانند آن را سركوب كنند. دليل سوم اين است كه ما به عنوان اصلاح طلبان، اگر چه باور داريم متأسفانه چهره جمهوري اسلامي هم اينك توسط مخالفان افراطي هر گونه اقدام اصلاحي تا حدودي مخدوش شده است و آنان در بخش هاي مهمي از اين نظام، اثريخشي فراواني يافته اند؛ اما اين نظام پرامده از يك انقلاب مردمی است و معمار فقيد آن با صراحت بر حاكميت مردم و نافذ بودن رأي آنان تاكيد داشته است، لذا همين روح به صراحت در قانون اساسي تجلي يافته است و تا جايي كه اصلاح طلبان امكان و توان دارند، نبايد تسليم اين وضع شوند. لازم است آنان از مضمون واقعي «جمهوري اسلامي» و همه ظرفيت هاي ممكن به نفع مطالبات سياسي، اجتماعي به حق مردم استفاده كنند.

اكنون مسأله اين است كه در حالي كه ما از يك طرف كمرونق شدن ايده «اصلاح از درون» را در ميان بخش هايي از جامعه يك واقعييت مي دانيم و از طرفي ديگر الگوهاي سوم و چهارم را هم نمي پذيريم. پس چگونه مي خواهيم از بن بست كنوني بيرون آيم؟ به نظر ما به رغم وجود همه اين موانع، بايد به دنبال راهكارها و برنامه هايي براي برون رفت از وضعيت فعلي در چارچوب ظرفيت هاي قانوني موجود كشور بود. روشن است كه ما همراهي با محافظه كاران را در اعمال سياست ها و برنامه هايشان براي كشور زيانبار مي دانيم و از جمله عوامل اصلي نااميدي كامل مردم و رشد اندیشه ها و روش هاي راديكال مي بينيم. به اين سبب بررسي دو گزينه را لازم مي دانيم:

گزينه اول، «سكوت» است. يعني اكنون كه نمي توانيم كاري انجام دهيم، صحنه را به نفع محافظه كاران خالي كنيم و با كناره گيري آرام مسؤوليت را به طور كامل به آنان واگذار نمايم.

گزينه ديگر «فعاليت بيشتري» با وجود انسداد حقوقي است. از نظر ما راهكار اول اگر چه براي اصلاح طلبان كم هزينه تر است ولي چون نمي تواند در تغيير وضع موجود چندان مؤثر باشد و حتي روند تضعيف و زوال سياسي كشور را تسهيل كند، نسبت به راهكار دوم در اولويت قرار ندارد.

اما سياست «فعاليت بيشتري» براي بهره گيري از همه ظرفيت ها به چه معناست؟ اين مشي شامل هر شيوه انتقادي قانوني براي مقابله با روش هاي غيراصلاحي و غيرمردم سالارانه است. اقدام هايي از نوشتن نامه هاي انتقادي تا تهيه طومار، از برپايي نخسن و آبستراكسيون تا دادن استعفا در مواقع لازم، از استيضاح حقوق دانان شوراي نگهبان تا تحقيق و تفحص از نهادهاي اجماعي (انتصابي)، از قانونمند كردن اصول مهم قانون اساسي تا استفاده از ظرفيت هاي ديگر قانون اساسي، از تشكيل اجتماعات و اعتراضات قانوني تا پيگيري مصرانه برگزاري انتخابات آزاد در اين چارچوب قرار مي گيرند. به عبارت ديگر ما همچنان با رويكرد اصلاحي و ايده اصلاح در چارچوب قانون اساسي براي تحقق مطالبات به حق مردم حركت مي كنيم. البته به اين واقعييت نيز وقوف داريم كه متأسفانه محافظه كاران با نفوذی كه در بخش هايي از نظام جمهوري اسلامي دارند، به جاي انديشيدن بيشتري به اصلاح بينش و رفتار خود، در توهم قدرت به سر مي برند و به همين سبب حركت اصلاحي دوم خرداد را، كه اميدهاي زيادي در ميليونها نفر از مردم آفريد، به واقع فلج کرده اند.

ما در عين حال با تاسي به رويكرد اصلاحي و راهكار مقاومت مدني اميدواريم بتوانيم گام هاي جديدي برداريم. مناسب ترين نتيجه آن است كه محافظه كاران از اين ذهنيت و توهم بيرون بيايند و تا دير نشده است همه ارکان و قواي جمهوري اسلامي را براي پذيرش اصلاحات آماده كنند. واضح است كه اگر محافظه كاران همچنان به استفاده ابزاري از ارکان و اجزاي مهم جمهوري اسلامي ادامه دهند هزينه هاي سنگين ديگري بر كشور بار خواهد شد، بدون اينكه آنان برنده اين اوضاع شوند.

در اين صورت نيز ما همچنان با تداوم راهكار ايستادگي مدني نه «سكوت» را پيشه خواهيم كرد و نه با مشي آنان «همراه» خواهيم شد.

بخش دوم: مواضع و دیدگاه‌های ما

1-2- رویکرد و راهبردهای سیاسی

با توصیف وضع موجود که شرح آن گذشت، اکنون لازم می‌دانیم مواضع خود را درباره مهمترین مسایل سیاسی به این ترتیب بیان کنیم.

1-1-2- انقلاب اسلامی ایران نتیجه خیزش حق‌طلبانه همه قشرها و طبقات جامعه علیه حکومت استبدادی، متکی به بیگانه، فاسد و اصلاح‌ناپذیر بود. این انقلاب به دلیل آرمان‌های والایی نظیر آزادی، عدالت اجتماعی، استقلال، حاکمیت مردم، اندیشه پیشرفت با کرامت انسانی و معنویت دینی، رهبری منحصر به فرد حضرت امام خمینی (ره) و برخورداری از حمایت وسیع مردمی، در میان جنبش‌ها و خیزش‌های یکصدساله اخیر ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. انقلاب اسلامی را باید نقطه عطفی در تاریخ ایران تلقی کرد و تحقق بخشیدن به آرمان‌هایش را به عنوان وظیفه‌ای ملی و اخلاقی پی گرفت.

2-1-2- ویژگی‌های حقوقی - سیاسی حکومت برآمده از انقلاب اسلامی یعنی جمهوری اسلامی و ترکیب نیروهای هوادار آن به گونه‌ای بود که امکان ارائه دو تفسیر متفاوت از محتوا و جهت‌گیری اصلی این نظام وجود داشت. از آغاز در میان طرفداران جمهوری اسلامی دو تفسیر تمامیت‌خواه (توتالیتر) و مردمسالار (دموکراتیک) از آن به وضوح قابل مشاهده بود. تا زمانی که امام خمینی (ره) در قید حیات بودند و چالش اصلی میان طرفداران جمهوری اسلامی و مخالفان برانداز یا تجزیه‌طلب آن به صورت حاد تداوم داشت، این دو تفسیر و پیامدهای هر یک در زمینه سیاستگذاری عمومی چندان خود را نشان نمی‌دادند، به ویژه آنکه در اکثر موارد قرائت دوم حاکمیت داشت.

2-1-3- طی سال‌های اخیر نگرش غیرمردمسالار در درون حاکمیت به تثبیت موقعیت بیشتر خود پرداخت. صاحبان این گرایش کوشیدند از تجلی‌گرایی مردمسالار در سیاستگذاری عمومی حتی‌الامکان ممانعت به عمل آورند. حاصل این شیوه پدید آمدن جلوه‌هایی از بحران‌های مشروعیت، مشارکت و کارآمدی در عرصه سیاسی ایران بود. در واکنش به این بحران‌ها در میان هواداران جمهوری اسلامی ایران جنبشی شکل گرفت که هدف آن برتری بخشیدن به تفسیر انسانی، اخلاقی و مردمسالار از جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن و حل بحران‌های کشور از این طریق بود. نماینده و نماد این تفکر جناب آقای خاتمی بود که توانست در انتخابات دوم خرداد 1376 با رأی قاطع مردم و در رقابتی گسترده با نامزد مورد حمایت محافظه‌کاران به پیروزی برسد و گرایش مردمسالار را در درون حاکمیت دوباره تقویت کند.

2-1-4- طرفداران اصلاحات مردمسالارانه در جمهوری اسلامی ایران از وجود برخی ابهام‌ها، ناسازگاری‌های درونی و امکان تفاسیر متعارض از قانون اساسی کشور مطلع بوده و هیچ‌گاه این قانون را مقدس و غیرقابل‌اصلاح نمی‌دانسته‌اند. اما سه پیش‌فرض اساسی آنها را به انجام اصلاحات مردمسالار در چارچوب قانون اساسی ایران تشویق کرده است:

اول: اینکه به باور آنان نظام جمهوری اسلامی به دلیل خاستگاه حکومت، ساختار واقعی قدرت و ظرفیت تحول‌پذیری این گنجایش را دارد که اصلاحات مردمسالار را تحمل کند و به خودترمیمی و خوداصلاحی بپردازد. به اعتقاد آنان بخش عمده هواداران نظام سیاسی بعد از انقلاب (هم طرفداران مردمسالاری و هم مخالفان آن) حفظ این نظام را بر منافع و گرایش‌های جناحی خود اولویت داده و حاضر خواهند بود از قدرت و موقعیت خود برای حفظ این نظام چشم‌پوشی کنند.

دوم اینکه، آنها معتقد هستند اگرچه می‌توان وضعیت موجود را از ابعاد گوناگون مورد انتقاد قرار داد، اما در شرایط کنونی قانون اساسی آنقدر ظرفیت‌های استفاده نشده و تحقق نیافته دارد که می‌تواند ظرف مناسبی برای پیگیری خواسته‌های مردمسالار جنبش باشد. از اینرو شعار اصلاح یا تغییر قانون اساسی را غیر ضروری دانسته‌اند و طرح آن را نوعی ساختارشکنی و تخریب چارچوب‌های عمل مسالمت‌جویانه و نهایتاً از بین رفتن امکان توافق و تفاهم ملی تلقی کرده‌اند.

سوم اینکه، آنان بر این باور بوده‌اند که مشکل اساسی کشور نه ساخت حقوقی، بلکه روابط و مناسبات واقعی قدرت است. چنانچه همه ارکان حکومت و نیز نیروهای سیاسی در چارچوب مناسبات مردمسالار حرکت کنند، نیاز به تغییر قانون اساسی نخواهد بود.

2-1-5- تجربه تاریخی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که یک نظام سیاسی، هنگامی دچار زوال و فروپاشی می‌شود که به طور همزمان با چهار بحران مواجه گردد: بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران کارایی و بحران اعمال سلطه. از نظر طرفداران اصلاحات مردمسالار، جمهوری اسلامی قبل از سال 76 با جلوه‌هایی از بروز سه بحران نخست مواجه بود. افزوده شدن یک بحران می‌توانست نظام را با خطرهای جدی روبرو سازد. از اینرو تلاش اصلاح‌طلبانه با هدف گذر به مردمسالاری و از میان بردن بحران‌ها نه یک تهدید بزرگ بلکه یک فرصت تاریخی و طلایی برای کشور به حساب می‌آید. با این واقعیت، روشن می‌شود که مخالفان اصلاحات با تداوم بخشیدن و حتی تشدید بحران‌ها طی این مدت عملاً در جهت تضعیف و تزلزل نظام گام برداشته‌اند.

2-1-6- جنبش اصلاحی‌طلبی اگرچه بازگشت به آرمان‌های نخست انقلاب اسلامی را هدف قرار داده است، اما روش و ادبیات، متناسب با این مرحله از تکامل مبارزات ملت ایران را برگزیده است. چارچوب کلی این روش عبارت است از:

« قانونی، مسالمت‌جویانه و غیرخشونت‌آمیز بودن فعالیت‌های اصلاحی با تأکید بر تلاش نهادهای

مدنی سازمان یافته، برخورداری از مدیریت جمعی و مردمسالار، توجه به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و پرهیز از تقلیل‌گرایی سیاسی در امور جامعه، تدریجی و آرام دانستن اصلاحات و اقدامات

اصلاح‌گرانه، اجتناب از روش‌های ماجراجویانه و فاقد زمینه‌های ذهنی و عینی و اصولاً تکیه بر مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در همه عرصه‌ها.»

2-1-7- در جنبش اصلاح‌طلبی هنگامی که از مردمسالاری سخن گفته می‌شود، شیوه‌ای از حکومت مدنظر است که برای مردم جهان شناخته شده است و به اعتقاد ما با دین هم ناسازگاری ندارد. تلاش و تجربه ویژه ما تحقق «مردمسالاری دینی» به عنوان امری ممکن و مطلوب است. در تصور اصلاح‌طلبان، مردمسالاری به عنوان حاصل تجربیات بشری، کم هزینه‌ترین نوع حکومت است که حداقل باید پنج ویژگی زیر را داشته باشد:

الف. امکان سازمان‌یابی خودجوش مردم در نهادهای مدنی و وجود حداقلی از این نهادها برای پیگیری علایق قشرهای مختلف به صورت مسالمت‌آمیز.

ب. رعایت حقوق اجتماعی و برخورداری همه شهروندان اعم از زن و مرد از حقوق و آزادی‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی.

ج. شفافیت و پاسخگو بودن همه ارکان حکومت از نظر حقوقی، سیاسی و مالی.

د. برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه.

ه. تشکیل نهاد حل‌منازعه مورد توافق همه گرایش‌ها و جناح‌ها

بنابراین هنگامی که از اصلاحات مردمسالارانه سخن گفته می‌شود، اصلاح ساختارها، قوانین، سازوکارها و عملکردها در جهت دستیابی هر چه بیشتر به ویژگی‌های پیش گفته و حذف موانع احتمالی از سر راه این دستیابی مورد نظر است.

2-1-8- جنبش اصلاحات در تحلیل و ارزیابی مشکلات کشور، به دنبال مقصربایی و انداختن گناهان بر دوش يك نفر یا يك جناح نیست. اصلاح و نقد تنها متوجه يك نفر یا يك جریان خاص نیست. در بسیاری از زمینه‌ها به همان اندازه که باید صاحبان قدرت و حاکمیت را مورد انتقاد قرار داد، لازم است فرهنگ عمومی و رفتار نخبگان و مردم و حتی مخالفان قانونی را نیز مورد انتقاد قرار داد، بسیاری از مشکلات ملی ما حاصل غلبه گرایش‌هایی است که تمامی اجزاء تشکیل دهنده عرصه سیاست جاری به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن دامن زده‌اند. برای مردم سالار بودن و ایفای نقش مردمسالارانه در جامعه ما فقط نقد قدرت حکومت کافی نیست، نقد فرهنگ سیاسی و فرهنگ عمومی جامعه و نخبگان و نقد مخالفان حکومت هم ضروری است، البته روشن است که نقد مخالفان هنگامی معنای صحیح خود را پیدا خواهد کرد که آنان از «امنیت»، «رسانه» و «حقوق شهروندی» به طور کامل بهره‌مند باشند.

2-1-9- جوهر انسجام اجتماعی، موازین اخلاقی و باورهای دینی است و از آنجا که در تاریخ ایران

اخلاق مبتنی بر دین بوده است، با تضعیف اعتقادات مذهبی مردم، اخلاق نیز ضعیف می‌شود و با ضعف اخلاق، اساس زندگی سیاسی و اجتماعی سست می‌گردد و نهایتاً تنظیم «روابط انسانی» در اجتماع بسیار دشوار می‌شود. به این دلیل، مسؤلیت بزرگی متوجه کسانی است که خود را درباره دین مردم مسؤول می‌دانند زیرا هرگونه تخلف اخلاقی و حقوقی ایشان، مستقیماً موجب تضعیف اعتقادات دینی و اخلاقی مردم می‌شود.

2-1-10- از نظر ما سیاست باید مبتنی بر اخلاق باشد و هرگونه قول و فعل سیاسی که با احکام اخلاقی تعارض پیدا کند، لازم است کنار گذاشته شود. اگر میان «مصالح جامعه و نظام» و «احکام اولیه» فقهی تعارض پیدا شود، مطابق دیدگاه امام (ره) رجحان با «مصالح جامعه و نظام» است. اگر میان «مصلحت نظام» و یکی از احکام صریح اخلاقی، تعارض پیدا شود، باید جانب اخلاق را گرفت. آنچه را «مصلحت» می‌پنداریم در صورت تعارض با اخلاق در حقیقت «مفسده» است. تعارض میان احکام اولیه فقهی نه تنها ممکن بلکه بسیار شایع است، اما تعارض میان اخلاق و مصلحت، ناشی از ضعف ما در تشخیص مصلحت حقیقی است. «مصلحت» تنها در صورت سازگاری با حقیقت و اخلاق مصلحت است و گرنه فساد و ضلال است.

2-1-11- هر تصمیم سیاسی باید موافق اصول اخلاقی و انسانی باشد و از این جهت میان سیاست داخلی یا خارجی تفاوت وجود ندارد. مثلاً مطابق حکم صریح اخلاقی خرید و تولید و تکثیر و بکارگیری هرگونه سلاحی که موجب کشتار جمعی مردم غیرنظامی شود، ممنوع است و مطابق اصول و ضوابط اسلامی نمی‌توان شهر دشمن را به آتش کشید و یا آب شهر را مسموم کرد. به همان جهت که بر اثر اینگونه اعمال، همه مردم- اعم از نظامی و غیرنظامی و کودک و پیرزن و مرد- نابود می‌شوند. استفاده از سلاحی که هنگام بکارگیری آن، تفاوتی میان دشمن مسلح جنگجو و مردم غیر مسلح بوجود نیاید، مجاز نیست. این حکم اخلاقی، اسلامی و انسانی را نمی‌توان با تمسک به بعضی ظواهر و توجیه‌های شرعی نقض کرد.

تمسک به وجه بازدارندگی این گونه سلاح‌ها نیز بی‌وجه است چون تهدید به انجام کاری که هم اخلاقاً و هم شرعاً محظور دارد- و طبعاً نمی‌توان بدان دست زد- تهدیدی عبث و بی‌اثر است. لذا همین اقدام حتی برای فریب یا ارباب دشمن نیز مجاز نیست. این تظاهر، موجب مخدوش شدن مرز فعل اخلاقی و فعل ضد اخلاقی می‌شود و این خود مصداق بارز تیشه به ریشه دین و اخلاق زدن است. ما معتقدیم ریشه حیات اجتماعی، اخلاق و تعرض به آن خیانتی هولناک است. جنایت، عنوان فعل است نه اسم دشمن ما. جانی را نمی‌توان به «خودی» و «بیگانه» تقسیم کرد. خودی کسی است که در طرف حق قرار دارد و کسی که اخلاق و اصول انسانی را نفی می‌کند، حتی اگر ما به غلط او را دوست بخوانیم، غیرخودی است. به نظر ما ملاک دوستی و دشمنی با همه مردمان - داخل یا خارج کشور، ایرانی یا

غیر ایرانی، مسلمان یا غیر مسلمان - باید حق و اخلاق باشد. این يك شعار و یا يك کلام زیبا نیست. از نظر ما این تفکر مبنای روشن، اسلامی و انسانی هر گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی است. 12-1-2- جبهه مشارکت اگر چه با برخورد ابزاری با دین و حکومتی کردن شعار دینی و حوزه‌های علمیه مخالف بوده است و از استقلال نهادهای دینی از قدرت حاکم دفاع کرده است، اما به اسلام تنها به عنوان يك باور شخصی نمی‌نگرد. هم واقعیت تاریخی جامعه ما و هم خواست اصلاح‌طلبانه این بوده است که دین در حوزه زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ما حضور فعال داشته باشد. آنچه اصلاح‌طلبان را از محافظه‌کاران متمایز می‌کند این است که اصلاح‌طلبان به حضور دموکراتیک و نه تحمیلی دین در عرصه عمومی باور دارند و از آن دفاع می‌کنند. از دیدگاه آنان حضور دین در عرصه عمومی و اجتماعی به معنای تعطیل شدن رقابت‌های فکری و نظری و گرایش‌ها و تفسیرهای گوناگون و تثبیت حضور انحصاری يك گرایش خاص نیست. جریان‌ها و گرایش‌های مختلف می‌توانند با استفاده از سازوکارهای مردمسالاری، بینش خود را به صورت برنامه‌های روشن عرضه دارند و در رقابت دموکراتیک با سایرین آن را مبنای نظم و عمل اجتماعی قرار دهند.

از نظر اصلاح‌طلبان هنگامی که جامعه در روندی مردمسالارانه به حاکمیت قوانین و خط مشی‌های برخاسته از ارزش‌ها و احکام دین رأی دهد، می‌توان از دینی بودن حکومت سخن گفت. اصلاح‌طلبان معتقدند در شرایط دموکراتیک، جامعه ما به حاکمیت ارزش‌های دینی رأی می‌دهد مگر اینکه مدعیان دینداری با عملکرد غلط خود زمینه را برای لائیسیت و لائیسیم فراهم کنند. وجود نگرش‌های گوناگون دینی و حتی تفاوت‌های مبنایی در مسایل فقهی، واقعیتی است که ما را در عرصه عمومی وادار به اتخاذ روش‌های دموکراتیک برای پذیرش يك نگرش و یا مبنا خواهد کرد که هم عقلانی‌تر و هم به شرع نزدیک‌تر است.

13-1-2- حضور در سیاست با دغدغه دینی و تلاش برای گسترش و تعمیق آگاهی‌ها، احساس‌ها، تجربه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای دینی یکی از مشخصه‌های جنبش اصلاح‌طلبانه اخیر ایران و چهره‌های برجسته و موثر آن بوده است. در تحلیل شرایط خاص ایران می‌توان به خوبی دریافت که «اقتدارگرایی به نام دین»، «جلوگیری از خلاقیت و آزادی آفرینش هنری و فرهنگی به نام دین»، «تشدید دشمنی‌های و کینه‌توزی‌های اجتماعی به نام دین»، «رواج دادن تبعیض و رانت‌جویی اقتصادی به نام دین»، «ترویج غم و دل‌مردگی و شادی ستیزی به نام دین» و «تکیه بر افراد تنگ‌نظر و خشن و گاه ناموجه به عنوان نماد دین» بیشترین نقش را در گسترش دین‌گریزی و گرایش به بیرون کردن دین از حوزه عمومی دارد. از اینرو کسانی که واقعاً دغدغه دینی دارند، خواهان دنیایی ایمانی‌ترند و از گسترش لائیسیت نگرانند باید با همه این عوامل تشدیدکننده دین‌گریزی مقابله کنند. اصلاحات در مقابله با این عوامل تلاش بسیار کرده و هزینه بسیار پرداخته است. مناسبانه بعضی افراد و جریان‌های سیاسی بدون درک اهداف نهایی اصلاح‌طلبان دین‌باور بر تلاش‌های آنان مهر بی‌دینی و تضعیف دین می‌زنند، در حالی که آینده دین در جامعه ما در گرو پاسخ‌های دموکراتیک، به روز و کارآمد به مسایل داخلی و خارجی است. شکستن فضای تظاهر و ریاکاری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نشان دادن صداقت در گفتار و رفتار خود، شناخت نفاذانه عملکرد تاریخی مسلمانان مؤثرترین راه برای حل مشکلات کشور، احیای دین و پاسداری از میراث امام راحل (ره) و شهیدان و اینارگران بزرگوار ماست.

14-1-2- بینش اصلاحی، قائل بودن به «قدرت نامحدود و فراقانونی و غیرمسئول» برای هر شخص و نهادی را امتیازی سودمند و واقعیتی متناسب با قانون اساسی نمی‌داند. در این بینش همه مراکز قدرت باید حد و مرز مشخصی در اعمال قدرت داشته باشند و در مقابل اختیاری که از این قدرت ناشی می‌شود مسئول و پاسخگو باشند. این واقعیتی است که اگر به آن عمل شود بیش از هر چیز موجب تقویت ارکان و نهادهای نظام می‌شود. بر این اساس اگر همه اصول قانون اساسی که نیاز به قوانین عادی دارند، دارای قانون شوند و نهادهایی نظیر مجلس خبرگان رهبری به صورت مجلسی مرکب از نمایندگان تمام قشرهای صاحب تخصص‌های مرتبط در آیند و با انتخاب خبرگانی مستقل نظارت قانونی بر عملکرد نهادهای اجتماعی را پی‌گیری کنند و با گزارش‌دهی دائم به مردم از این امر، پاسخگویی بالاترین سطح نظام را در معرض عموم قرار دهند جلوه‌های برجسته‌ای از تحقق بالاترین ظرفیت‌های قانون اساسی نمایان می‌شود. چیزی که با تبدیل نمایندگان کل ملت به نمایندگان يك اقلیت ذی‌نفوذ کمتر تحقق یافته است.

15-1-2- تلاش برای کسب مسئولیت‌های سیاسی و بالا رفتن از پلکان قدرت از طریق قانونی و مسالمت‌آمیز حق هر عنصر سیاسی فعال در چارچوب قانون اساسی است. همچنین قانون اساسی، عرف، عقل و الزام‌های زندگی سالم سیاسی اقتضا می‌کند که برخی نهادها فراتر از رقابت‌های سیاسی عمل کنند و به طور یکسان در خدمت کل جامعه، مستقل از گرایش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی حاکم قرار گیرند. این ضرورت ایجاب می‌کند که همه نهادهای زیر نظر مقام رهبری که الزاماً اجتماعی و غیرجناحی هستند (شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه قضائیه، نیروهای مسلح، صدا و سیما و ...) توسط کسانی سرپرستی و اداره شوند که مستقل و بی‌طرف باشند، بر این اساس شایسته است ترکیب اعضا و مدیریت آنها به گونه‌ای باشد که افکار عمومی بتوانند هر يك را متناسب با وزن و جایگاه نیروهای اجتماعی و سیاسی در جامعه ارزیابی کنند. در غیر این صورت این نهادها وارد منازعات جناحی خواهند شد و پایگاه اجتماعی خود را از دست خواهند داد. در شرایط اضطراری نیز فقدان یا ضعف نهاد قابل قبول برای حل منازعات سیاسی، کشور را با مشکل و بن بست مواجه خواهد کرد.

16-1-2- قوه قضائیه بی‌شک یکی از قوایی است که باید فراتر از گرایش‌ها و جناح‌های سیاسی عمل نماید. حفظ بی‌طرفی قوه قضائیه در گرو پایبندی به این ضرورت مهم است. قبل از هر چیز باید قوانین و آئین‌نامه‌های صریح این بی‌طرفی را تبیین و تضمین کنند. به ویژه در محدوده‌هایی چون جرائم مطبوعاتی و سیاسی ارائه قوانین روشنی که ضمن حفظ حقوق اساسی شهروندان امکان اعمال نظر جناحی و شخصی را در قضاوت به حداقل برساند، ضروری است. در شرایط فقدان چنین قوانینی نمی‌توان به احقاق حقوق عمومی امید داشت و ممانعت از تصویب چنین قوانینی در مجلس، جز تلاش برای جهت‌دهی به قوه قضائیه در چارچوب منافع جناحی معنا نخواهد داشت.

دومین اقدام لازم تنظیم سازوکارهای مناسب برای ارتقاء اعتماد عموم به قوه قضائیه است. مثلاً حضور هیأت‌های منصفه نماینده افکار عمومی در بررسی جرائم مطبوعاتی و سیاسی یا ملزم کردن بازپرسان و بازجویان به اعمال شیوه‌های متناسب با کرامت انسانی و قابل کنترل از جمله سازوکارهای کارآمد و لازم در این زمینه است.

سومین گام به انتخاب مسئولان به منظور حفظ استقلال قضات در این قوه باز می‌گردد. فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور فعال نهادهای صنفی (مانند کانون وکلای) و حقوقدانان در انتخاب مسئولان در قوه قضائیه، انتخاب مسئولان محاکم و قضات بر اساس معیارهای دانش، تجربه موفق، اعتبار اجتماعی و سلامت رفتاری و تعریف مراکز مستقل برای نظارت بر عملکرد قضات از جمله اقداماتی است که می‌تواند در جهت استقلال و اعتبار این قوه موثر باشد.

متأسفانه اکنون قوه قضائیه با تکیه بر قوانین مبهم و فاقد ویژگی‌های مناسب و روزآمد، بی‌تناسبی بسیاری از روش‌ها و سازوکارهای قضائی با کرامت انسانی، جهت‌گیری متعصبانه برخی از مسئولان و کم‌اعتباری احکام قضائی در عرصه اجتماعی با چالش‌های بزرگی در عرصه ملی و جهانی روبرو است. بدون اقدام اساسی برای اصلاح این قوه نمی‌توان نسبت به سلامت جامعه حتی با حداقلی از اطمینان دست یافت.

17-1-2- ما بر این باوریم که جز با «حکمرانی خوب» نمی‌توان در شرایط امروز کشتی ایران را در امواج اقیانوس متلاطم رقابت سرسام‌آور جهانی به سلامت عبور داد و به ساحل مقصد رساند «حکمرانی خوب» با اهداف توانمندی‌سازی دولت و دامن زدن به افزایش رقابت در همه زمینه‌ها همراه است و تحقق آن را می‌توان از طریق شاخص‌هایی نظیر «پاسخ‌گویی و اظهار نظر»، «ثبات سیاسی و تنش‌زدایی»، «اثربخشی دولت»، «حذف مقررات زائد و هزینه‌های اضافی»، «حاکمیت قانون» و در کاهش میزان فساد اندازه گرفت. در این مسیر شفاف‌سازی نظام تصمیم‌گیری، توزیع قدرت و تمرکز زدایی در اداره امور، اصلاح شیوه‌های اجرائی و داشتن تعامل مثبت و سازنده با جهان از ضرورت‌های اولیه و اجتناب ناپذیر «حکمرانی خوب» در شرایط کنونی است.

18-1-2- یکی از مهمترین پایه‌های «حکمرانی خوب»، اعتقاد عمیق به اصل مردمسالاری و تلاش همه جانبه برای استقرار آن در همه عرصه‌هاست ما به عنوان حزبی که به مبانی اسلامی و اندیشه انقلاب اسلامی پایبند است و به آن افتخار می‌کند، دارای مرامنامه و اساسنامه تدوین‌شده و مرزبندی‌های واضح با همه نیروهای فعال سیاسی کشور هستیم. بر این اساس و در جهت استقرار مردمسالاری و دفاع از قرائت مردم سالارانه از جمهوری اسلامی، با تمام کسانی که معتقد به پیشبرد اصلاحات قانونی و نه مشی‌های رادیکال و براندازانه هستند در سطوح تعیین شده‌ای که پیشبرد دموکراسی و نفی استبداد را تأمین کند همکاری می‌کنیم و در عین داشتن مواضع مشخص، خود را موصف به دفاع از تمامی حقوق قانونی همه ایرانیان می‌دانیم.

2-2- انتخابات، نقطه عطف اصلاحات

1-2-2 همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، در شرایط موجود کشور و با توجه به زیر ساختارهای فرهنگی و ملی هیچ جایگزین قدرتمندی را برای نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای که حاوی آرمان‌های انقلاب اسلامی و بنیانگذار فقید آن باشد، نمی‌توان تصور کرد. البته میان برخی بینش‌ها و روش‌ها که امروز به نام جمهوری اسلامی اعمال می‌شود با آن جمهوری اسلامی که مورد نظر امام خمینی (ره) و مورد اقبال بخش‌های گوناگون ملت ایران بود فاصله‌هایی روشن وجود دارد. اصلاحات آمده است تا از این فاصله‌ها بکاهد و امور را آنگونه سامان دهد که حقیقت جمهوری اسلامی که جمهور آن آحاد ملت ایران و همه ایرانیان و اسلام آن منبعث از قرائت رحمانی از آیین‌الهی اسلام است نمایان شود. جمهوری اسلامی که بر اساس آرای ملت و سازوکارهای مردمسالارانه معنا می‌یابد.

2-2-2- اگر علت شکل‌گیری جنبش اصلاحات حضور اقشار مختلف مردم به عنوان حاملان اصلی تفکر اصلاح‌طلبی در پای صندوق‌های رأی و در خرداد 76 بود، بقای این جنبش نیز در گرو چیز دیگری جز حضور مردم حامی تفکر اصلاح‌طلبی در پای صندوق‌های رأی نیست. از این روی نخبگان، روشنفکران و اصلاح‌طلبان باید بکوشند که شرایط را به سمتی سوق دهند که زمینه و انگیزه‌های لازم برای حضور و مشارکت مردم حامی اصلاحات در پای صندوق‌های رأی فراهم آید.

3-2-2- پاسخ به این سؤال که چرا باید در انتخابات شرکت فعال کرد در این نهفته است که پیش برد اصلاحات در ایران جز از طریق مشارکت عمومی و حضور در انتخابات و به اعتبار آرای ریخته شده به صندوق‌ها امکان پذیر نخواهد بود. هر اقدامی که بخواهد این راه را مسدود نماید یا از حیز انتفاع ساقط کند در حقیقت اصلاحات را به سوی نیستی سوق داده است. نتیجه قطعی مرگ اصلاحات در ایران یا استبداد داخلی و یا سرسپردگی به بیگانگان است. از آنجا که ملت ایران به طور تاریخی از این دو وضعیت رنج‌های بسیار کشیده است، لذا با فاصله گرفتن از اصلاحات، سرنوشتی جز دگرگونی‌های

خشونت‌آمیز و از هم پاشیدگی ساختارهای سیاسی و اجتماعی و بحران‌های شدید در انتظار ایران خواهد بود. از این رو معنای اصلی شرکت در انتخابات، تداوم اصلاحات در ایران است.

2-2-4- البته این بدان معنا نیست که هر انتخاباتی که صرفاً شکل و صورت رأی‌گیری در آن برپا شده باشد، تضمین‌کننده تداوم اصلاحات مسالمت‌آمیز در نظام سیاسی است. همانگونه که در تحلیل انتخابات شوراها نیز جبهه مشارکت اعلام کرد آنچه که بیش از هر چیز مردم را به حضور و مشارکت در سرنوشت خود ترغیب می‌نماید، اثر گذار بودن رأی آنها در جهت ایجاد تغییرات و به ثمر رسیدن مطالبات و خواسته‌های مورد نظر مردم است.

صرف برگزاری انتخابات صوری و برپا کردن نمایشی از حضور بخشی از مردم در انتخابات، نمی‌تواند تضمین‌کننده چیزی باشد که مراد اصلی از انتخابات است. از اینرو لازم است بخش‌هایی از حکومت که متولی برگزاری و نظارت بر حسن اجرای انتخابات هستند، شرایط مطلوب برای حضور مردم یعنی آزادی انتخابات و رقابت سالم و گسترده و بدون مانع و نیز تضمین صیانت از آرای ملت را فراهم آورند.

انتخاب شوراها که نحوه برگزاری تنها یک شرط لازم برای انتخاباتی پرشور است اما شرط کافی برای حضور مردم در صحنه، اعتماد عمومی به کل حاکمیت در تمکین از آرا و خواسته‌های ملت است. آحاد مردم معمولاً در انتخاباتی شرکت می‌کنند که رأی خود را در انجام اصلاحات و تغییرات مؤثر بدانند. اکثریت مردم وقتی احساس کنند که رأی آنان در عمل به منزله زینتی برای بالا بردن مشروعیت بخشی از حاکمیت است که روز به روز بیشتر از افکار و خواسته‌های عمومی فاصله می‌گیرد و در حالی که سنگ و مطالبات آنان را بر سینه می‌کوبد، مایل است امور کشور را تنها با نظر و روش عده محدودی که سلیقه و نظر خود را عین اسلام و انقلاب می‌دانند، اداره کند، تمایلی به مشارکت فعال در انتخابات نشان نمی‌دهند. بر این اساس همه اجزای حاکمیت خصوصاً بخش‌هایی که با رأی مستقیم مردم تعیین نمی‌شوند و به گونه‌ای انتصابی قدرت و اختیارات را با خود دارند، باید نشان دهند که آمادگی اصلاح‌پذیری و همسویی با رأی مردم را دارند. در این صورت است که مردم تصمیم می‌گیرند در انتخابات مشارکت فعال داشته باشند.

2-2-5- پیش شرط فراهم آمدن چنین زمینه‌ای، برطرف شدن موانع از مسیر تحقق برنامه‌ها و تعهداتی است که منتخبان ملت اعم از رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس در هنگام انتخاب شدن به مردم وعده داده‌اند، وعده‌هایی که متضمن نهادینه شدن حق تعیین سرنوشت مردم توسط خود آنان در انتخابات آزاد است، بدون محدودیت‌هایی که تحت عنوان نظارت استصوابی اعمال می‌شود. حق آزادی بیان و داشتن مطبوعات آزاد و مستقل، حق نظارت مردمی بر همه اجزا و ارکان حاکمیت، حق آزادی

فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب و گروه‌های قانونی، برطرف شدن انحصارها در همه زمینه‌ها اعم از سیاست و اقتصاد و فرهنگ و شفاف شدن و پاسخگو بودن همه بخش‌های حاکمیت از جمله این حقوق و وعده‌هاست. این همه باید به گونه‌ای به رسمیت شناخته شود و به اجرا گذاشته شود که نه صرفاً از سر امتیازدهی حاکمیت به ملت برای کشاندن آنان به پای صندوق‌های رأی تلقی شود بلکه به عنوان دستاورد قطعی منتخبان اصلاح‌طلب به شمار آید و مردم احساس کنند که حضورشان در انتخابات گذشته به رغم همه هزینه‌هایی که داشته، ثمر بخش بوده و مطالبات ملی برآورده شده است.

2-2-6- لازمه ترغیب بیش از پیش مردم برای حضور در انتخابات جبران حداقل بخشی از هزینه‌هایی است که اصلاح‌طلبان مورد حمایت مردم پرداخته‌اند. آزادی زندانیان سیاسی و رفع توقیف از مطبوعات اصلاح‌طلب می‌تواند به عنوان نمادی از این جهت‌گیری محسوب شود.

2-2-7- آن چه در باب انتخابات بیش از سایر امور حائز اهمیت و مطلوب نظر همه دلسوزان کشور و نظام است، میزان بالایی مشارکت مردم در پای صندوق‌های رأی است. اگر چه مبنای دموکراسی لزوماً مشارکت بالایی مردم نیست، اما دلایل خاصی ایجاب می‌کند که در کشور ما مشارکت بالایی مردم اصل به شمار آید. اگر قرائن و شواهد اجتماعی و سیاسی در یک جامعه نشانگر آن باشد که آن دسته از مردم که در انتخابات شرکت می‌کنند، معترض و مخالف نظام نیستند و عدم شرکت آنان نه بر مبنای یک اقدام معترضانه و مشروعیت‌زا، بلکه از سر علی‌السویه انگاشتن گزینه‌های موجود است، این رویه معطوف به عدم کفایت از دموکراسی نمی‌شود، لذا مبنای جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تنها رأی اکثریت شرکت‌کنندگان در انتخابات خواهد بود. اما در شرایط کنونی سیاسی کشور و رویدادهایی که طی یکی دو سال اخیر در منقطه رخ داده و جبهه‌گیری سیاسی که در سطح جامعه جهانی علیه کشور ما شکل گرفته است، تنها راه شکستن این فضا و فشارها، مشارکت انبوه مردم در انتخابات مجلس هفتم است.

این انبوهی مشارکت نه تنها نشانه وجود دموکراسی در ایران بلکه تضمین‌کننده مشروعیت و اقتدار نظام و خود اتکایی ملت برای انجام اصلاحات در کشور است. در موقعیتی که بخش‌های مهمی از افکار عمومی جهانی و مجامع بین‌المللی تحت تأثیر دولت آمریکا با این پیش‌فرض شکل گرفته‌اند که دوگانگی‌ها و فاصله میان ملت و حکومت در ایران بهترین شرایط برای اخذ امتیازهای پیاپی و وادار کردن ایران به دست کشیدن از فرصت‌ها و منافع خود است، مشارکت بالایی ملت در انتخابات تنها راه مسدود کردن این مسیر و بازگرداندن اعتبار و اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی است. به همین لحاظ اگر همه بخش‌های حاکمیت خواهان چنین مشارکتی است، باید امتیازات لازم را به ملت بپردازد و به آن تداوم ببخشد تا در برابر بیگانگان با موضع مستقل و مقتدر قرار داشته باشد.

2-2-8- جبهه مشارکت ایران اسلامی به عنوان حزبی راسخ در پیگیری مطالبات اصلاح‌طلبانه مردم، ایجاد، دوام و بقاء خود را همواره منوط به پشتوانه حمایت‌های بی‌دریغ ملت بزرگوار ایران می‌داند. این

جبهه به این سبب توانسته است با تکیه بر آرای ملت اکثریت کرسی‌های مجلس ششم را در اختیار داشته باشد. جبهه مشارکت در طول عمر مجلس ششم توانست با تشکیل فراکسیون و با پایبندی به آرمان‌های اصلاحات و برنامه اعلام شده و مورد حمایت مردم در انتخابات مجلس ششم تلاش کند تا این برنامه به طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس تبدیل شود. این فراکسیون از همه راه‌های ممکن بهره جست تا بتواند شورای نگهبان و سایر ارکان نظام را متقاعد نماید که مصوبات مجلس ششم به عنوان بیان خواسته‌ها و مطالبات ملی به تأیید برسد و به مرحله اجرا در آید. متأسفانه در این زمینه همسو کردن نهادهای غیرانتخابی در تمکین به رأی مردم و همراهی با مطالبات متجلی شده ملت در مصوبات مجلس چندان نتیجه بخش نبوده است. از این بابت از ملت بزرگوار که به این تلاش‌ها امید بسته بوده‌اند پوزش می‌خواهیم. البته در گزارش مشروحی که تحت عنوان وفاي به عهد فراکسیون مشارکت انتشار یافته است، به تفصیل تلاش‌ها، عملکردها و دستاوردهای مجلس ششم و فراکسیون مشارکت را تشریح کرده‌ایم.

2-2-9- در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفتم، جبهه مشارکت ایران اسلامی تمام امکانات و سرمایه خود را جهت رفع موانع مشارکت مردم در انتخابات به کار خواهد گرفت و تلاش خواهد کرد تا به سهم خود زمینه برگزاری يك انتخابات پرشور را فراهم آورد اما همان گونه که قبلاً نیز گفته شد تحقق این امر مستلزم بروز عزم همه ارکان حاکمیت به نسبت اختیارات و سهمشان از قدرت برای بر طرف کردن نگرانی‌ها و ناامیدی‌های عمومی در انجام انتخابات آزاد رقابتی و تأثیرگذار کردن آراء مردم است. با این وصف تشکیل ستاد انتخابات جبهه مشارکت در جهت پیشبرد تقویم کاری و برنامه‌های تشکیلاتی از جمله اقدام‌های جدی است که هدف آن برنامه‌ریزی و سازماندهی نیروهای جبهه مشارکت در فضای انتخاباتی است.

قطعاً چگونگی حضور و شرکت جبهه مشارکت در انتخابات مجلس هفتم تابعی از فراهم شدن زمینه مشارکت همگانی، رقابت آزاد، مؤثر بودن تلاش منتخبان در سرنوشت کشور خواهد بود. آنچه برای جبهه مشارکت معیار حضور فعال در انتخابات است، رفع موانع در برگزاری رقابت سالم میان نامزدها و شکل‌گیری انتخابات آزاد و وجود چشم‌انداز مثبت از مشارکت پراکنجه مردم در انتخابات و به حساب آوردن رأی و نظر آنان است.

قطعاً جبهه مشارکت تنها در انتخاباتی که در آن مردم حضور یابند، حضور خواهد یافت و تحقق این مهم را مستقل از آنکه نتیجه آرا چه باشد، برای کشور سودمند خواهد دانست. این چشم‌انداز را می‌توان از فضای سیاسی کشور و از خلال نظرسنجی‌های پیش از انتخابات به دست آورد.

2-2-10- ما بر این باوریم که چنانچه انتخابات آزاد و عادلانه برگزار گردد و مردم آزادانه بتوانند نامزدهای مطلوب خود را بیابند، مجلس هفتم نیز ادامه قدرتمندتر و راسخ‌تر اقدام‌های اصلاحی مجلس ششم خواهد بود. اما متأسفانه زمینه‌سازی‌هایی که در جناح مقابل مشاهده می‌شود، به ویژه رفتارهای غیرقانونی و اعمال تزییقات و پرونده‌سازی‌هایی که برای اعمال نظر و رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح طلب صورت می‌پذیرد و بهره‌برداری‌های جناحی که از هم اکنون از نهادهای اجماعی و عمومی و مؤسسات عمومی و عام‌المنفعه برای جریان سازی و تأمین هزینه‌های انتخاباتی و تقویت جریان سیاسی مقابل اصلاحات می‌شود، این نگرانی وجود دارد که زمینه‌های مشارکت ملی فراهم نگردد.

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و پرشور مجلس هفتم به واقع نقطه عطف و آزمونی برای اعتلا و اقتدار کشور و یا اصرار ویرانگرانه بر شیوه‌هایی است که تاکنون هزینه‌های فراوان بر کشور و مردم تحمیل کرده است. ما امیدواریم که در يك بازبینی خردورانه همه جناح‌ها و گرایش‌ها راه نخست را برای گذر کشور از میان مشکلات بین‌المللی و ملی برگزینند و انجام انتخاباتی آزاد، مؤثر و با شکوه را به عنوان فصل مشترک علابق دینی و ملی خود در نظر گیرند. بر این اساس جبهه مشارکت نیز تا آخرین حد ممکن برای فراهم آوردن زمینه چنین انتخاباتی و تشکیل مجلسی متکی به آراء چشمگیر مردم به کار خواهد بست. تشکیل کنگره فوق‌العاده این جبهه در آستانه برگزاری انتخابات چگونگی و تصمیم نهایی جبهه را در انتخابات اتخاذ خواهد کرد.

2-3- مسایل و راهبردهای فرهنگی

2-3-1- جبهه مشارکت بر این باور است که با اعتبار تحولات جهانی هم به دلیل تغییرات پرشتاب اجتماعی در ایران امروزه حوزه فرهنگ مهمترین بستر دگرگونی‌های اصلاحی کشور شده است. به این سبب درک مفاهیم جدید، عوامل تأثیرگذار و روندهای نوین فرهنگی به عنوان پیش نیاز تبیین درست اوضاع سیاسی و مدیریت و «حکمرانی خوب» مطرح گردیده است. برای جامعه‌ای که با سرعت در معرض تغییرات ساختاری جمعیتی، اجتماعی، آموزشی و ارتباطی است، اعمال روابط اقتدارگرانه و متضاد روش‌های متکی بر منع و محدودیت زبان پارتین آثار فرهنگی و سیاسی را دارد. اکنون با گسترش محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی در قلمرو دانشگاه‌ها، مطبوعات کتاب، مراکز هنری و فرهنگی کشور انفعال و انزوای وسیعی بر متفکران، دانشمندان و اصحاب اندیشه و قلم، روشنفکران و هنرمندان، دانشگاهیان و دانشجویان، حاکم شده است. این تهدید ملی ائتلاف سرمایه اجتماعی، فرار مغزها، تنزل کارایی و کارآمدی نظام سیاسی و اجرائی و گسترش انفعال و انزوای سیاسی جامعه را به دنبال داشته است. جبهه مشارکت برای برون رفت از این وضعیت برگشایش فضای سیاسی و مدنی، برجیده شدن دستگاه‌های موازی و اطلاعاتی و جلوگیری از مداخله‌های غیرقانونی امنیتی و قضائی در حوزه فرهنگ و دانش تأکید دارد.

2-3-2- به اعتقاد ما توسعه علمی اساس توسعه همه جانبه و پایدار کشور است که جز از طریق توجه به حاملان علم و فناوری و توجه به نقش مستقل دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی نمی‌توان به این هدف دست یافت. فرصت کشور برای تحرك و تحول ساختار علمی کشور و ارتقاء ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی به تناسب نیازهای ملی و ضرورت‌های بین‌المللی اندک است. جبهه مشارکت ایران اسلامی ضمن تقدیر از تلاش‌های ارزنده آقای دکتر معین وزیر سابق علوم، تحقیقات و فناوری در اهتمام به امر توسعه علمی کشور و دفاع از منزلت و حرمت دانشگاه‌ها، دانشگاهیان، تأسف خود را از توقف لایحه تحول ساختار این وزارت و استعفای ایشان اعلام می‌دارد و انتظار دارد که عوامل ایجاد این استعفا و راه‌های رفع زمینه‌های آن به طور جدی مورد توجه دولت، مجلس و عموم دانشگاهیان و صاحب‌نظران قرار گیرد.

2-3-3- مواجهه جنبش اصلاحات با تنگناهای سیاسی و حقوقی و ایجاد تضیقات مختلف برای عالمان آزاد اندیش، دانشگاهیان، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و روشنفکران، افکار عمومی و نخبگان را دچار اختلال و انفعال کرده است. جبهه مشارکت مهمترین و مؤثرترین وسیله را برای پیشبرد جنبش اصلاحات و حفظ اقتدار و امنیت ملی جلب همکاری نخبگان و گروه‌های مرجع و همراهی افکار عمومی می‌داند.

2-3-4- جبهه مشارکت، بر استقرار و تقویت نهادهای مدنی و توسعه فرهنگ مشارکت و رقابت در همه عرصه‌ها از جمله سیاست تأکید دارد. ضعف ساختارهای مدنی و حزبی که از جمله نقیصه‌های اساسی و تاریخی کشور ماست، ایجاب می‌کند که برای نهادی شدن جامعه مدنی و توسعه فرهنگ رقابت‌های حزبی، رویکردهای نوینی اتخاذ شود. تدوین قواعد همکاری و رقابت حزبی و تبعیت از اقتضاها و لوازم آن از جمله ضرورت‌های پیش روی ماست.

2-4-4- زنان و جوانان:

2-4-1- نقش انکارناپذیر زنان در جنبش‌ها و حرکت‌های جدید اجتماعی و توسعه‌ای جهان، و حضور پررنگ و سهم چشمگیر آنان در پیروزی انقلاب اسلامی و اصلاحات در ایران، توجه جدی به مسایل زنان را در همه جوامع، از جمله در کشور ما اجتناب ناپذیر ساخته است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی با توجه به شتاب فزاینده تحولات در عرصه مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان در ایران بر لزوم سامان دهی امور آنان در حوزه‌های مختلف و انجام اقدام‌های اساسی برای فعالیت مدنی و حزبی زنان تأکید دارد.

2-4-2- علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در مجلس و دولت برای تأمین حقوق زنان، متأسفانه بی‌توجهی نسبت به مسایل زنان در برخی زمینه‌ها تداوم یافته، و در مواردی نیز جلوه‌های جدید داشته است.

تلاش برای محدود کردن پذیرش دختران در برخی از رشته‌های دانشگاهی در برابر رشد تحسین‌برانگیز علمی زنان و افزایش روزافزون نرخ ورودی دختران به دانشگاه‌ها، بروز جلوه‌های تأسف برانگیزی از خشونت نسبت به زنان و دختران، وجود تضیقاتی در جامعه که حاکی از حاکمیت تبعیض‌های جنسیتی دارد، تداوم و کثرت خودکشی و خودسوزی در میان زنان؛ همه حکایت از وجود خشونت و تعدی نسبت به زنان دارد. طبیعی است که وجود این قبیل سختگیری‌ها و اعمال خشونت‌ها و فشارهای نابجای خانوادگی و اجتماعی و نابرابری‌های مختلف که با روح اسلام و اندیشه‌های اصلاحی بیگانه است، زنان و دختران را بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد.

2-4-3- تبلیغات گسترده سازمان یافته در مخالفت با پیوستن ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، که تقریباً تمامی ابزارهای تبلیغاتی، تریبون‌های رسمی و غیر رسمی و صدا و سیما فعالانه در آن نقش داشتند نشانگر مظلومیت زنان در ایران است، جبهه مشارکت ایران اسلامی بر این باور است که پیوستن ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، آن هم با تحفظ کلی و عدم مغایرت با شرع و عدم رجوع به داوری دادگستری بین‌المللی برای کشور تعهدهای غیر شرعی و غیر عرفی که مخالفان این لایحه عنوان می‌کنند، به وجود نمی‌آورد، زیرا هر يك از کشورهای عضو این امکان را دارند که در صورت اعمال فشار و برای پذیرفتن مواردی، برخلاف تحفظ، عضویت خود را ملغی سازند. جبهه مشارکت همچنین معتقد است که در صورت پیوستن به این کنوانسیون، زنان فرهیخته کشور این امکان را خواهند یافت که علاوه بر تلاش برای نیل به مفاد این کنوانسیون که منطبق با اسلام و قانون اساسی است؛ فعالانه در مجامع جهانی، حضور یابند و دستاوردهای ارزنده زنان ایرانی را در عرصه‌های مختلف به جهانیان ارائه کنند. این پیوستن همچنین می‌تواند تبلیغات مخالفان جمهوری اسلامی را مبنی بر وجود تبعیض علیه زنان خنثی کند.

2-4-4- جبهه مشارکت معتقد است که به رغم تلاش نهادهای دولتی و غیردولتی برای ارتقای سطح مشارکت زنان هنوز ارتقای مدیریت زنان در سطح مدیریت‌های کلان و میانی محقق نشده است، و گاه شاهد برکناری یا کناره‌گیری برخی از چهره‌های شاخص و موفق از مدیران زن هستیم. ما با اهتمام به امر، ارتقای مدیریت زنان را از جمله ضرورت‌های مبرم کشور برای تناسب کردن ساختارهای سیاسی و اجرایی با روند رو به رشد تحرك اجتماعی زنان می‌دانیم.

2-4-5- آگاهی وسیع و عمیق عمومی زنان ایرانی نسبت به حقوق مسلم انسانی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی خویش در اسلام و قانون اساسی و تلاش بی‌وقفه آنان برای احقاق این حقوق، مهمترین راه در جهت تغییر واقعیت‌های تلخ کنونی است.

علاوه بر این، حساسیت جهانی نسبت به حقوق زنان و توجه خاص مراکز فکری و علمی و مجامع بین‌المللی به این مهم ایجاب می‌کند که برای تسریع در روند تأمین حقوق زنان و رفع هر گونه تبعیض و خشونت از آنان تلاش‌هایی تازه صورت گیرد. جبهه مشارکت ایران اسلامی، در این جهت بر پیشبرد موارد ذیل در سطوح مختلف حقوقی و اجرایی تأکید می‌کند:

الف) رفع هرگونه تبعیض جنسیتی از زنان در عرصه‌های مختلف آموزشی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی و حقوقی و تلاش برای اجرایی کردن این موارد از طریق قانون چهارم توسعه.
ب) توجه بیش از پیش به آموزش و بهداشت عمومی زنان در سراسر کشور.
ج) تدوین برنامه عملی جهت ارتقاء مدیریتی و سیاسی زنان و رفع ابهام‌های قانونی برای حضور آنان در همه سطوح سیاسی و اجرایی.

د) رفع هرگونه خشونت از زنان و کودکان و حمایت قانونی و اجتماعی از زنان و کودکان آسیب‌دیده.
هـ) توانمندسازی زنان سرپرست خانواده؛ حمایت از زنان خانه‌دار، روستایی و عشایر و تلاش در جهت ایجاد اشتغال برای زنان متخصص و فارغ‌التحصیل.

2-4-6- ترکیب جمعیتی جامعه امروز ایران، کشور ما را به یکی از جوانترین جوامع دنیا بدل کرده است. این واقعیت می‌تواند به فرصتی مناسب برای وقوع بحران‌ها و خطرات اجتماعی تبدیل شود. جوانی جمعیت کشور علاوه بر این سبب شده است، برآیند مطالبات و نگرش‌های عمومی به شدت تحول‌خواهانه و نوگرایانه باشد و انتظارات جامعه برای مشاهده دگرگونی‌های عینی و کاملاً قابل‌لمس تا حد زیادی افزایش یابد. عدم درک این ضرورت و یا ایستادگی در برابر آن و ایجاد موانع مختلف در روند پیشبرد برنامه‌های اصلاحی، وضعیت عمومی جوانان را به سوی رکود و رخوت و یا طغیان و عصیان پیش خواهد برد.

2-4-7- علیرغم حضور جدی و قابل توجه جوانان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نقش غیر قابل انکار آنان در شکل‌گیری و رشد جنبش اصلاح‌طلبی متأسفانه به دلیل فقدان نگرش مثبت و بی‌اعتمادی به جوانان، هنوز تا تبیین جایگاه شایسته و مناسب برای تأثیرگذاری آنان در روند تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور فاصله زیادی وجود دارد. لذا به نظر ما لازم است ضمن تغییر نگرش‌های سنتی به جوانان، در تعریف سازوکارهای مناسب برای به کارگیری و مشارکت مؤثر آنها در عرصه‌های مختلف اهتمام جدی صورت گیرد.

2-5-5- مسایل اقتصادی

2-5-1- دولت و مجلس علیرغم وجود موانع فراوان در جهت حل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران که در بنیادهای کنگره‌های قبلی سرفصل‌های آن مورد اشاره قرار گرفته است، گام‌های قابل توجهی برداشته‌اند. اصلاح قانون مالیات‌ها، اصلاح قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قانون بازسازی و نوسازی صنایع، قانون تجمیع عوارض، بازنگری در نظام بودجه ریزی و تک‌نرخ کردن ارز، از جمله این اقدامات می‌باشند. با این وجود و علیرغم دستیابی به نرخ رشد اقتصادی 6/5 درصد در سال 1381، اکنون که در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه به سر می‌بریم همه برآوردها حاکی از وجود چالش‌ها و دشواری‌های بیشتری در آینده است که ضرورت تغییر در روند موجود را حتمی می‌سازد. تحقیقات انجام شده در مراجع رسمی حکایت از آن دارد که تداوم روند موجود که همان رشد بسیار کند درآمد سرانه کشور در سالهای اخیر در کنار رشد بسیار سریع در کشورهای در حال توسعه است عقب ماندگی ایران را در قافله اقتصاد جهانی از کشورهای در حال توسعه که در گذشته نه‌چندان دور پشت‌سر ما حرکت می‌کردند بیشتر و بیشتر خواهد کرد. در حالی که وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام همچنان یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد کشور است، حتی اگر بتوان روند موجود را با توجه به نوسانات قیمت نفت حفظ کرد، ارمغان آن برای کشور توسعه بیکاری و تورم یعنی فقر بیشتر خواهد بود.

2-5-2- نکته حائز اهمیت اینکه همزمان نتیجه تلاش گسترده مطالعات و بررسی‌های سازمان مدیریت و برنامه‌بندی که دست‌اندر کار تدوین برنامه چهارم توسعه کشور می‌باشد و مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی که به عنوان مأموریت قانونی وزارت صنایع و معادن صورت گرفته است، بر ضرورت اصلاح روند موجود و هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی تأکید نموده‌اند.

غلبه بر مشکل بیکاری که با توجه به پیش‌بینی افزایش چشمگیر عرضه نیروی کار زنان در آینده، نوع شغل را نیز افزون بر تعداد شغل از اهمیت برخوردار ساخته است از یک طرف و حفظ موقعیتی قابل قبول در عرصه اقتصاد بین‌المللی از طرف دیگر ایجاب می‌کند که درآمد سالانه کشور طی بیست سال آینده حداقل به سه برابر میزان کنونی افزایش پیدا کند.

چگونگی تأمین منابع مورد نیاز برای تحقق هدف ذکر شده تبدیل به یکی از مهمترین سؤالات آینده کشور می‌گردد.

2-5-3- پس‌انداز خصوصی، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه خارجی روش‌های مختلف برای تأمین و انباشت سرمایه می‌باشد که ایجاد تحول در هر یک مستلزم بازنگری و اصلاح سیاست داخلی و خارجی کشور است.

پس‌انداز خصوصی تا زمانی که اهداف نظام تصمیم‌گیری با هدفهای بخش خصوصی انطباق نداشته باشد و نظام سیاسی تضمین‌کننده حقوق مالکیت و فراهم‌کننده سلامت عملکرد آن نباشد افزایش

نیافته و با وارد چرخه سرمایه‌گذاری نخواهد شد و این امر نه تنها اقتصاد کشور را با رکود مواجه می‌کند بلکه مانع توسعه روند مردمسالاری نیز خواهد بود. در کشورهایی که فاقد منابع طبیعی هستند، حکومت ما به طور عمده با درآمدهای مالیاتی اداره می‌شوند و لذا موجودیت دولت‌ها در گرو حاصل کار شهروندان است و در نتیجه حقوق شهروندی به طور طبیعی مقدم بر حقوق دولت‌ها بوده و مردمسالاری به شکل نظام سیاسی تضمین‌کننده حقوق مالکیت و آزادی بیان از طریق مطبوعات آزاد و فعالیت احزاب، شرایط اجتماعی و فرهنگی مناسب برای اعمال نظارت مستمر بر چگونگی کارکرد نظام مبتنی بر حقوق فردی را ایجاد می‌کند. در مقابل اغلب کشورهای متکی به صادرات مواد خام و منابع طبیعی، بهبود رفاه مردم ناشی از بهره‌مندی بیشتر از منابع طبیعی است و مردمسالاری فاقد پشتوانه مالی و اقتصادی بوده و شعارهای روشنفکرانه قلمداد می‌شود.

2-5-4- اقتصادی که تنها به ظرفیت‌های بکر و خدادادی بسنده می‌کند و نه به قابلیت‌ها و دستاوردهای فنی و تکنولوژیک در میدان رقابت جهانی، روز به روز ضعیف‌تر خواهد شد. علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت تحصیل حداکثر درآمد نفت خام، گسترش صادرات صنعتی که لازم آن قرار گرفتن در زنجیره تولید جهانی و توسعه فعالیت صنعتی با اتکاء بر فناوری‌های پیشرفته است، بخشی از منابع مورد نیاز توسعه کشور را فراهم می‌کند، حتی ده برابر شدن صادرات صنعتی کشور، ایران را از منابع و سرمایه‌های خارجی برای توسعه بی‌نیاز نمی‌کند. همه این واقعیت‌ها برنامه‌ریزان کشور را بر الزام ارتباط و تعامل قوی کشور را از نظر بازار صادراتی، نیازهای سرمایه‌ای و به ویژه فناوری با جهان پیشرفته صنعتی متفق ساخته به گونه‌ای که چشم‌انداز توسعه کشور در افق 20 ساله را توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی نام نهاده‌اند.

2-5-5- تغییر در چشم‌انداز اقتصادی نیازمند تحولات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی و اقتصادی مطابق با اصولی است که جنبش اصلاحی در ایران تعقیب می‌کند. توسعه عادلانه و پایدار بدون امنیت سرمایه امکان‌پذیر نیست و امنیت سرمایه بدون احترام به حقوق شهروندی حتی اگر رشد اقتصادی بیانجامد پرفساد و ناپایدار است. توسعه نیازمند قوه قضائیه‌ای مستقل، نظام یکپارچه و منسجم قانون‌گذاری، حاکمیت قانون و پاسخ به مطالبات مشروع و قانونی مردم است. راهکار حل مشکلات اقتصادی و تأمین رفاه شهروندان که با این همه منابع انسانی، طبیعی و فیزیکی حق مسلم آنهاست برخلاف تبلیغات گروه‌ها و جریانات مخالف اصلاحات در گرو تداوم و تعمیق اصلاحات سیاسی داخلی و خارجی کشور است.

سیاست‌های گذشته در عرصه اقتصادی نظیر منحصر کردن توجه خودکفائی و حمایت از تولید داخلی در مقابل تولید جهانی نه تنها آسیب جدی به اقتصاد ایران وارد ساخته، بلکه تجربه نشان داده است که اهداف عدالت اجتماعی را نیز برآورده نمی‌کند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی ضمن ارج نهادن به دستاوردهای علمی اسناد مهم تدوین قانون برنامه چهارم توسعه کشور و استراتژی توسعه صنعتی، الگوی توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی را تنها راه برون رفت از بحران و چالش‌های حال و آینده می‌داند.

در این الگو شفاف‌سازی و رقابت‌پذیری در کلیه عرصه‌های اقتصادی با ویژگی‌های ایجاد قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای مردمی‌افزایش سهم کشور در تجارت جهانی، ارتقاء بهره‌وری و ارتقاء توان رقابت در بازارهای داخلی و در مقابل واردات به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گرفته است. در این الگو ضروری است سیاست خارجی با رویکردی برون‌گرایانه، تعامل سازنده و همسو با جهان خارج را با هدف کسب جایگاه مشخصی در اقتصاد جهانی تعقیب نماید. ترکیب سیاست‌های اقتصادی کلان در این گزینه در جهت تشویق صادرات تعیین می‌شود، نرخ ارز بگونه‌ای نظارت و مدیریت می‌شود که به افزایش انگیزه و توان بخش صادرات منجر شود. با کاهش نقش دولت در اقتصاد و در نتیجه کاهش هزینه‌های آن و همزمان افزایش درآمدهای اندک به واسطه توسعه صادرات، روند تعادلی بودجه حفظ خواهد شد.

2-5-6- سرمایه‌گذاری خارجی که هم امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی در سایه حمایت سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم می‌کند و هم موانع محدود تکنولوژی‌های نوین را برطرف می‌کند باید مورد استقبال و حمایت قرار گیرد.

با توسعه مدیریت دولت ظرفیت حکومت برای تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح افزایش یافته و نقش مالکیتی دولت به حاکمیتی تغییر یافته و دولتی یکپارچه و به دور از چندگانگی و ناسازگاری در تنظیم و اداره امور، پاسخگو، دانشگرا، کارآفرین و توانمند خواهیم داشت.

2-5-7- در الگوی جدید اقتصادی افزایش توان و ارتقاء جایگاه بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفته و شرایط پیرامونی و محیط کسب و کار به ترتیبی است که در آن، اجرای قوانین مربوط به نیروی کار، حقوق مالکیت، قوانین ضدانحصار و مانند آن به طور واضح و شفاف تضمین شده است. در کنار برنامه‌های بلندمدت، در کوتاه‌مدت اقداماتی همچون شفاف‌سازی نظام مالی از طریق کاهش فعالیت‌های شبه‌بودجه‌ای و فعالیت‌های فرابودجه‌ای و قانونمند ساختن دستگاه‌های بودجه‌گیر، تمرکززدایی در نظام اداری و اقتصادی، اصلاح شیوه اداره شرکت‌های دولتی، تغییر ساختار اداری، به ساختار قانون تجارت و گسترش نظام مالی و بازار سرمایه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

2-6- سیاست خارجی

2-6-1- سیاست تنش‌زدایی و گسترش تعامل با جهان در سال‌های گذشته موقعیت جمهوری اسلامی ایران را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در وضعیت نسبتاً مطلوب و بسیار بهتر از دوره مشابه قبل از

آن قرارداد. این سیاست روندی را به وجود آورد که نه فقط پاره‌ای بحران‌های جدی در روابط خارجی از جمله بحران در مناسبات با اروپا را حل کرد، بلکه به ارتقای اعتبار، نفوذ و تأثیرگذاری ایران در همه سطوح سیاست خارجی انجامید. درخشش ایران در سطح جهانی در پی موفقیت‌های این سیاست، کشور را در موقعیتی قرارداد، که حتی در مقطعی ایالات متحده آمریکا نیز خود را ناگزیر از تجدیدنظر در سیاست مهار دوگانه و رفتار پیشین با ایران دید، از جمله اعتراف به خطاهایی که نسبت به کشور و ملت ایران در گذشته مرتکب شده بود. کاری که هرگز سابقه نداشت و آمریکا در بیانیه الجزایر نیز حاضر به قبول آن نشده بود.

پی‌تردید بستر این کامیابی‌ها، اتکای سیاست خارجی به دو عامل اساسی خردمحوری و حمایت گسترده و قاطع ملت ایران از دولت و سیاست‌های جدید آن بود. در شرایطی که انتخابات شکوهمند دوم خرداد 76، بهمن 78 و هیجدهم خرداد 80، سمت‌گیری ملت ایران را بر همگان آشکار ساخت، همه کشورهای جهان به آرمان‌های این ملت و مطالبات آنان احترام خود را نشان دادند، و بدین سان اراده ملی، کشور را به جایگاه شایسته در مناسبات جهانی نزدیک کرد. این همه در شرایطی روی داد که با سقوط نظام دو قطبی، در ساختار قدرت جهانی و تعادل قوا در سطح کلان تغییراتی ژرف پدید آمده بود، و وضعیت ناپایدار گذار به تعادل نامشخص جدید و جایگزین، عوارض خطرناکی را بر همگان بخصوص بر کشورهای جهان سوم و از جمله ایران تحمیل می‌کرد. علیرغم چنین تحولاتی امروزه کشور با چالش‌های جدی در سیاست خارجی مواجه است. مسأله فن آوری هسته‌ای و پیامدهای خارجی آن، تعامل با جهان خارج و چگونگی تعریف ابعاد آن، و روابط با آمریکا، عراق، خاورمیانه، تروریسم و نقض حقوق بشر در کشور در صدر این چالش‌ها قرار دارند. باید ریشه‌های این چالش‌ها بخوبی کاوش شود، و راه حل‌های واقع‌گرایانه و مبتنی بر مصالح و منافع ملی برای آن جستجو گردد.

سیاست خارجی به مثابه استمرار سیاست داخلی، باید بر خرد جمعی مبتنی باشد. تشخیص مصالح و مفاسد و منافع ملت و کشور در این حوزه باید برآیند درک متخصصان، کارشناسان، صاحب نظران و آگاهان وفادار به ایران باشد. هم در سطح تصمیم‌سازی و هم اجرا استبداد رأی و غفلت از مشاوره اهل نظر جز ضرر برای کشور و نظام باری نخواهد داشت.

در دوران جدید و عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات، سیاست خارجی مستلزم شفافیت، عبور از مجاری رسمی قانونی شفاف، و اتکاء به خواست و انتخاب ملت است. امروزه فاصله حاکمان و مردمان از نظر اطلاع از امور بسیار کمتر از گذشته است. در این شرایط تنظیم مناسب و روابط میان ملت‌ها هنگامی میسر می‌شود، که اراده ملت‌ها در آن نقش اساسی ایفا کند. این مهم مستلزم شفافیت و استفاده از راهکارهای روشن و رسمی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. هرگونه تلاش در خفا و بدون اطلاع ملت برای سامان دهی مسایل سیاست خارجی، بیش از دادوستد محفلی تلقی نمی‌شود. ثمره آن طمع ورزیدن بیگانگان، زیاده‌خواهی آنان و ناکامی و بی‌آبرویی برای کشور است.

2-6-2- محور اصلی سیاست خارجی باید منافع ملی باشد. تصمیم‌های این حوزه، نباید تحت تأثیر خواسته‌ها و منافع جناحی قرار گیرد. تفکیک این حوزه از عرصه مناقشات داخلی ضرورت حیاتی دارد. هیچ یک از طرف‌های مناقشات داخلی نباید مصالح سیاست خارجی را برای پیشبرد مقاصد خود در سیاست داخلی قربانی کند.

قوای مجریه و مقننه در زمینه سیاست خارجی ظرفیت‌های فراوانی دارند، که هنوز به طور کامل به کار گرفته نشده است. مداخله‌های ناروای نهادهای غیرمسئول در سیاست خارجی که گاه و تا حدی ناشی از اهمال در انجام وظایف و احاله آن به مراکز دیگر است، منافع ملی را به مخاطره خواهد انداخت. ضرورت دارد فعالیت، حضور و نظارت این قوا در این قلمرو تشدید گردد، تا هم امور به مجاری طبیعی و قانونی خود بازگردد، هم برای کشورهای دیگر شرط لازم برای تعامل مهیا گردد، و هم در این تعامل مصالح کشور محفوظ و منافع ملی تأمین شود.

2-6-3- ما در سیاست خارجی و ارتباط با عرصه بین‌المللی باید بین تعامل و تقابل با جهان خارج یکی را انتخاب کنیم. امروز با تحولات فوق‌العاده سریع در حوزه‌های مختلف حیات بشری چون پیشرفت سریع علم و فناوری، انفجار اطلاعات و آرایش قوای جدید، نقش روزافزون بازیگران بین‌المللی، تغییر مفهوم مرز و حاکمیت ملی، و تنوع نیازهای واحدهای سیاسی و وابستگی متقابل آنها، کشور ما گزینه‌ای جز تعامل با جهان خارج ندارد. کشورها در جهان جدید از تقابل، تنها هدر رفتن امکانات و توانایی‌های خود، و عقب ماندگی و نیازمندی بیشتر را بدست می‌آورند. روند همگرایی کشورهای مختلف جهان برای تسهیل و تسریع پیشرفت، شاهدی بر برتری گزینه تعامل است. امروز تعامل با جهان خارج به ضرورت حیات جمعی ملت‌ها مبدل شده و کمترین علت آن متأثر شدن همه آنان از رخدادهایی است که هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آنان رخ می‌دهد.

تعامل با جهان خارج الزامات خود را دارد که نمی‌توان و نباید از آن سرباز زد. پذیرش و احترام به ارزش‌های عام بشری که امروزه مقبولیت جهانی یافته‌اند، و به شالوده مناسبات قراردادی میان ملت‌ها مبدل شده‌اند، از این جمله است. احترام به حقوق بشر، ارزش جهانی حکمرانی خوب، ارزش‌های دمکراتیک، آزادی انتخاب و کرامت ذاتی انسان، حق تعیین سرنوشت، دو سویه بودن حقوق و تعهدات، پایبندی به تعهدات و ایجاد اعتماد را باید در این فرآیند مورد اهتمام و احترام واقعی قرار داد.

سیاست خارجی رسمی و اعلام شده دولت اصلاحات مبنی بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی و دعوت به گفتگو و ائتلاف برای صلح به معنای انتخاب گزینه تعامل و نفي سیاست‌های تقابل‌گرایانه است که نه

تنها دولت بلکه سایر ارکان حکومت نیز باید بر این سیاست‌ها پافشاری کنند و در همه ابعاد آن را دنبال نمایند. با پذیرش این راهبرد بهتر می‌توان به حل مشکلات و ارائه راه حل در مسایل مهم سیاست خارجی پرداخت.

2-6-4- مسأله روابط میان ایران و آمریکا که در کنگره سوم و بیانیه آن موضع حزب مشارکت در ارتباط با آن به تفصیل بیان شده است از جمله مسایل مهم سیاست خارجی است. از آن زمان تاکنون پیرامون این موضوع تحولاتی بوقوع پیوسته که توجه بدان‌ها ضرورت دارد. پس از اشغال عراق، عملاً آمریکا در همسایگی ایران قرار گرفته است. به نظر نمی‌رسد این همسایگی ناخواسته به زودی پایان پذیرد. اقدامات آمریکا در عراق جهت بازسازی سیاسی - اقتصادی آن کشور و حضور در افغانستان به همراه حضور دریایی چندین ساله در خلیج فارس، این قدرت را با همه تهدیدهایش به یک واقعیت سیاسی و نظامی در منطقه تبدیل کرده است. اقدامات آمریکا در اطراف مرزهای ایران تأثیر مستقیم بر امنیت و منافع ملی کشور می‌گذارد. قطعاً در تغییر سیاست آن کشور نسبت به جمهوری اسلامی بی‌تأثیر نخواهد بود. دولت بوش پس از وقایع تلخ 11 سپتامبر تحت تأثیر یک اقلیت افراطی تمامی تلاش‌های گذشته را در برطرف کردن دیوار بی‌اعتمادی بین دو کشور به شکست کشانده، و با سیاست یکجانبه‌گرایانه خود تنش را بین دو کشور افزایش داده و بی‌اعتمادی متقابل را دامن زده است.

در چنین شرایطی، در جمهوری اسلامی ایران نیز با دنباله‌روی از سیاست‌های کلیشه‌ای در قبال آمریکا تحت تأثیر افراد و جریان‌های غیرمسئول و برخی اقدامات نسنجیده، بر تهدیدها علیه کشور افزوده شده است. اکتفا به برخوردهای انفعالی، قالبی، تبلیغاتی و شعاری در عرصه سیاست، الزاماً واکنشی فعال و اصولی محسوب نمی‌شود، و موقعیت کشور را در برابر اقدام‌های گوناگون تقویت نمی‌کند. با بدتر شدن شرایط در اثر خطاهایی که ذکر آن رفت، مناسبات ایران و آمریکا در وضعیتی قرار گرفته است که تنها تصمیمی ملی، هوشیارانه و شجاعانه می‌تواند از بدتر شدن آن جلوگیری کند. هر نوع تصمیم در این خصوص که تکیه بر اراده و قدرت ملی داشته باشد، موفقیت جمهوری اسلامی ایران را تضمین خواهد کرد. مصالح کشور و مقابله با تهدیدهای آمریکا در گرو بسیج علایق و انگیزه‌های ملت رشید ایران و افزایش مشروعیت داخلی نظام است. به میزانی که در صحنه داخلی تکیه بر مشارکت و حمایت‌های مردمی باشد، تنظیم مناسبات بر اساس منافع کلان کشور در صحنه خارجی مشکل نخواهد بود. جبهه مشارکت اعتقاد دارد که در صورت تحول در روش‌های قالبی و انفعالی در عرصه سیاست داخلی و خارجی، تدوین سیاستی نوین و مدبرانه در قبال آمریکا نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت است. این سیاست نه وادادگی و تسلیم در برابر آمریکا بلکه عین عزت و تدبیر و ایستادگی به موقع در برابر فزون‌خواهی دولت آمریکاست. ما از موضع تعهد و پابندی به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و حفظ اقتدار و استقلال کشور با صراحت می‌گوئیم که برخوردهای کلیشه‌ای و واکنشی، داشتن نگاه یکسان به نیروهای مختلف در جامعه آمریکا و یکسان‌نگری در قبال آنهایی که به دلیل عملکرد گذشته آمریکا از ایران عذرخواهی نمودند و آنان که ایران را محور شرارت اعلام کردند، از اشتباهات سیاست خارجی کشور بوده و فرصت‌های مهمی را از ما گرفته است. باید با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه از ایجاد اجماع در جامعه آمریکا بر علیه ایران جلوگیری کرد، و با نیروهایی که دیدگاه‌های مثبت نسبت به کشور ما دارند، به صورت رسمی و صریح ارتباط گرفت و مذاکره کرد. گفتگو میان بخش‌های غیردولتی و نمایندگان پارلمان‌های دو کشور و مذاکره دولت‌ها مشروط به پذیرفته شدن شرایط ایران در زمینه استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران از جمله ضرورت‌هایی است که نباید در شرایط مناسب از نظر دور داشت.

2-6-5- برغم هیاهوهای تبلیغاتی فراوان پیرامون راه حل جدید بحران خاورمیانه موسوم به نقشه راه، اکنون نگرانی از اینکه قصد واقعی کاخ سفید از این طرح دستیابی به راه‌حلی هر چند ناقص و غیرمنصفانه برای مشکل اشغالگری و نیز تنظیم واکنش جهان عرب در اشغال عراق بوده، اکنون تشدید شده است. در کنار این هیاهوها، آنچه واقعیت دارد ادامه اراضی فلسطین، آوارگی میلیون‌ها تن از مردم مظلوم، حتی تجاوز به همان قلمرو محدودی که به موجب معاهدات گذشته به دولت خودگردان فلسطین واگذار شده، ترور منظم و مکرر فلسطینیان، نقض پیمان و سوءاستفاده از فاجعه یازدهم سپتامبر توسط دولت شارون و در نتیجه افزایش خصومت و نفرت‌پرانی در منطقه است.

در این میان به ریشه‌های اصلی بحران که عبارتند از اشغال و تجاوز و نقض عهد و بی‌توجهی به قوانین، عرف و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و جابجایی مسایل اصلی و فرعی در راه حل‌های سیاسی که تا کنون ارائه شده به جد مورد توجه قرار نگرفته و همین بی‌توجهی، از علل اصلی ناکامی راه‌حل‌های غیرمنصفانه از جمله «نقشه راه» بوده است که طلیعه شکست آن از هم اکنون کاملاً پیداست. در این میان استمرار جانبداری بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل چشم‌انداز دستیابی به هر گونه راه‌حلی را تیره و تار ساخته است. در حالی که نقض عهد و جنایت دولت شارون علیه فلسطینیان و ادامه اشغال و ایجاد آبادی‌های یهودی نشین کماکان ادامه دارد، در سیاست رسمی مدعیان صلح، مسئله اصلی تروریزم فلسطینی اعلام می‌گردد و از همه مسایل ریشه‌ای چشم پوشی می‌شود.

به یقین آینده این سیاست چیزی جز تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته نخواهد بود. ما ضمن حمایت از ملت و دولت فلسطین و مقاومت فلسطین و همه گروه‌ها و گرایش‌هایی که در برابر تجاوز اسرائیل ایستادگی می‌کنند و حمایت از هر راه حل نهایی که ملت فلسطین و نمایندگان آن بپذیرند، معتقدیم راه حل پایدار این بحران مزمن باید مشتمل بر اجرای همه قطعنامه‌های سازمان ملل در این موضوع،

حل و فصل مسأله آوارگان، پایان اشغال، مهار توسعه طلبی نژادپرستانه اسرائیل و توقف تروریسم دولتی اسرائیل باشد. هر راه حل دیگری که از این حداقلها چشم‌پوشد عملاً توفیقی بدست نخواهد آورد. ما در این جهت تصمیم‌گیری نهایی را در خصوص آینده فلسطین از حقوق اساسی تمام ملت فلسطین می‌دانیم و حجت سیاسی را در همه موضع‌گیری‌ها بر همراهی با خواست و اراده اکثریت این ملت مظلوم می‌بینیم.

به نظر ما در این میان جز اعمال فشار بر روی اسرائیل، طرف متجاوز این بحران، از طریق مشارکت هرچه گسترده‌تر جامعه جهانی در این قضیه بخصوص اروپا و حمایت جدی و مستمر کشورهای عربی و اسلامی از آرمان فلسطین راه دیگری برای تغییر معادله موجود به نفع صلح پایدار و امنیت عمومی در منطقه وجود ندارد.

2-6-6- سقوط رژیم اقتدارگرای عراق بوسیله اقدام نظامی آمریکا و انگلستان چهره سیاسی خاورمیانه را به شدت تغییر داد و علیرغم پایان دادن به حیات یکی از اصلی‌ترین منابع بی‌ثباتی منطقه‌ای نوعی نگرانی و دلمشغولی در خصوص بازسازی سیاسی و اقتصادی و ایجاد آرامش در آن سرزمین را به ارمغان آورده است. بدون تردید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشوری در این نقطه از جهان تحت تأثیر تحولات عراق و آینده سیاسی آن قرار خواهد گرفت همانطور که در طول سه دهه گذشته بیش از دیگران طعم تلخ تجاوزگری‌ها و بی‌خردی‌های صدام حسین را چشیده است. دگرگونی سیاسی در عراق، ایران را با مجموعه‌ای از فرصت‌های جدید روبرو کرده است که در صورت عدم استفاده از آن، بیم آن وجود دارد که همگی به تهدیدات کوتاه‌مدت و بلندمدت تبدیل شود. همانطور که جبهه مشارکت در بیانیه‌های خود قبلاً اعلام کرد، توسل به زور و اقدام نظامی برای حل بحران عراق را مشروع و معقول نمی‌دانست ولی در هر صورت، جنگ ابزار مورد استفاده برای از بین بردن حکومت بعث در عراق شد. بنابراین اینک شایسته است که در پرتو تحولات نوین و با در نظر گرفتن مصالح عالی و منافع ملی ایران سیاست خود را تدوین و اجرا کنیم. جبهه مشارکت معتقد است که حمایت جدی از شکل‌گیری دولتی فراگیر و دمکراتیک در عراق که وحدت ملی آن کشور را تضمین کند بیش از هر چیز دیگر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و منطقه را تأمین خواهد کرد. مشارکت عمیق‌تر سازمان ملل متحد، بازسازی سیاسی عراق در قالب یک حکومت یکپارچه و فراگیر و پایان اشغال نظامی آن کشور، تنها راه ایجاد صلح و توسعه پایدار آن کشور می‌باشد. جبهه مشارکت ایران اسلامی اعتقاد دارد با تکیه بر این اصول راهبردی و دوری از اقدامات نسنجیده و ماجراجویانه می‌توان منافع ملی کشور را تأمین و نقش روزافزونی را در شکل‌گیری نظام آینده امنیتی منطقه برای خود تعریف کرد.

2-6-7- حفظ و گسترش روابط جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی و همچنین اتحادیه اروپا از اهمیتی راهبردی در سیاست خارجی کشور برخوردار بوده که پس از خرداد 76 روندی مطلوب پیدا کرد. مشکلات جدی و مزمن روابط خارجی کشور با آمریکا که با یکجانبه‌گرایی آمریکا پس از 11 سپتامبر پیچیده‌تر نیز شده است، اهمیت روابط ایران با اروپا را بیش از پیش می‌سازد. با توجه به موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس و نقش منطقه‌ای آن، کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا نیز منافع خود را در داشتن روابط دوستانه با ایران و همکاری متقابل در جهت حفظ آرامش و صلح و گسترش دموکراسی در منطقه می‌بینند. مورد روابط با اروپا را باید از آسیب‌هایی که اقدامات نسنجیده و ماجراجویانه می‌تواند به آن وارد کند حفظ نمود. تعمیق روابط ایران با اتحادیه اروپایی مستلزم فهم جایگاه اروپا در سیاست بین‌الملل و حضور منطقه‌ای آن و دوری از نگاه سنتی ابزاری به اروپا در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا می‌باشد. تعامل سازنده با اتحادیه اروپایی نه تنها هدف ما را که تقویت یک نظام کثرت‌گرای بین‌المللی است فراهم می‌کند، بلکه خطر بروز بی‌ثباتی‌های مزمن منطقه‌ای را با توسل به دیپلماسی به جای زور کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، توسعه کشور نیازمند انتقال سرمایه و تکنولوژی است که بخش عمده آن در پرتو گسترش روابط حسنه و متکی بر احترام متقابل تأمین خواهد شد. کسانی که خواهان گسترش دموکراسی و پلورالیسم در نظام بین‌الملل هستند، بایستی بدانند که حصول این شعار بدون تحقق آن در داخل امکان‌پذیر نیست و گسترش روابط با بلوک‌های قدرت، بویژه اتحادیه اروپایی، بیش از هر زمان مستلزم قدم برداشتن در این مسیر است.

2-6-8- ما استفاده صلح‌آمیز از دانش و فناوری هسته‌ای را حق به رسمیت شناخته جهانی برای ایران می‌دانیم. پیشرفت‌های اخیر در این عرصه فرصت‌های جدیدی را برای کشور به وجود آورده است که متأسفانه با عدم تصمیم‌گیری صحیح و به موقع از سوئی و تحولات پرشتاب جهانی از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر این فرصت به تهدیدی برای کشور تبدیل شده است. سیاست‌ها و تبلیغات جهت‌دار اسرائیل و دولت بوش و تلاش برای ایجاد یک اجماع جهانی علیه ایران واقعیتی مشهود است. در این موقعیت علیرغم اینکه در سیاست و دکنترین دفاعی اعلام شده استفاده از سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی ندارد، تکیه بر عنصر «بازدارندگی نظامی» در برابر «بازدارندگی سیاسی» از سوی برخی افراد، گروه‌ها، نهادها، و همچنین نگاه‌های سخت‌افزارانه به امنیت و دفع تهدیدات امنیتی شائبه‌هایی را دامن زده که کاملاً در تضاد با امنیت ملی کشور بوده است. جبهه مشارکت ایران اسلامی تعامل با جهان و پایبندی به تعهدات بین‌المللی را لازمه یک حکومت مقبول، پایدار و با ثبات در شرایط امروز جهان می‌داند. از اینرو تعهد جمهوری اسلامی ایران بر اجرای کامل در چارچوب معاهدات بین‌المللی پذیرفته شده توسط ایران از جمله پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را یادآور می‌شویم و از تصمیم دولت در انجام مذاکره و امضای بیانیه تهران حمایت می‌کنیم. در این مسیر پذیرش پروتکل الحاقی (2+93) و شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای کشور را در جهت منافع ملی کشور دانسته، و آن را

گامی در جهت اعتمادسازی با سایر کشورها می‌دانیم. به نظر ما نظام جمهوری اسلامی ایران که شعار گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح را مطرح کرده، باید خود پرچمدار عاری شدن جهان و به خصوص منطقه خاورمیانه از سلاح هسته‌ای باشد و همه کشورهای جهان را به امضای NPT و پروتکل الحاقی دعوت نماید. گام برداشتن در این مسیر است که می‌تواند ایران را مجدداً در جایگاهی قرار دهد که از فناوری هسته‌ای برای رفع نیازهای خود استفاده کند.

2-6-9- شرایط حاضر در عرصه بین‌المللی علاوه بر تغییر در ساختار قدرت جهانی و اعمال سلطه آمریکا در سطوح مختلف تصمیم‌گیری بین‌المللی، باید نارسائی‌های عمده سیاست خارجی را حاصل سوءتدبیرهایی دانست که بر خلاف قانون اساسی تصمیم‌گیری را در محافل بسته و محدود قرار می‌دهد و کشور را با بحران روبرو می‌کند. مخالفت‌های عملی با اجرای سیاست تنش‌زدایی از یکسو و فرآیند کند، غیرشفاف و ابهام‌آمیز تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی وضعیتی را پدید آورده، که اروپا را که از ابتدا در مورد مسئله فناوری هسته‌ای ایران و مسایلی از این دست موضعی متفاوت با آمریکا داشت، به دلیل اتخاذ همین مواضع نامناسب و یا دیر هنگام کاملاً به آمریکا نزدیک شود. جبهه مشارکت اعلام می‌کند که تلاش برای انزوا و انفعال دولت و کشاندن کشور به ورطه‌های بحرانی و اعمال تضيیقات و تحریم‌ها علیه ایران با هر نیتی که باشد برخلاف مصالح ملی است و افراد و جریان‌های مسبب آن باید در برابر ملت پاسخگو باشند.

2-6-10- استفاده از خشونت برای نیل به اهداف سیاسی در طول تاریخ بی‌سابقه نیست. دنیای مدرن به شکل وسیع‌تری با این پدیده روبرو شده و کشورهای مختلف به تبع مقاصد خود همیشه سعی در استفاده سیاسی از مفهوم «تروریسم» داشته‌اند. در سال‌های اخیر تروریسم ابعاد گسترده‌تری یافته و علیرغم استفاده قدرت‌های بزرگ از این واژه برای بی‌اعتبار کردن مخالفان خود، مذموم بودن این پدیده که جان انسان‌های بی‌گناه را هدف قرار داده، به تدریج به یک باور جهانی تبدیل شده است. صرف نظر از تعاریف مختلف، اصل مشروع بودن استفاده از ترور جهت حصول اهداف سیاسی به هر شکل غیرقابل قبول بوده و مبارزه با آن بایستی در دستور کار همه دولت‌ها قرار گیرد. وقایع 21 شهریور (یازده سپتامبر) در آمریکا تروریسم را به عنوان یک دغدغه امنیتی در دستور کار جهانی قرار داده، اراده برخورد با آن را در سطوح مختلف جهانی به شدت تقویت کرده است. واقعیات جدید جهانی و بروز صور جدیدی از تروریسم که به ویژه چهره مقدس دین اسلام را در معرض تحریف و سوءاستفاده قرار داده، تلاش همه جانبه و منسجمی را برای مقابله با آن در عرصه‌های مختلف سیاسی، تبلیغاتی، دیپلماتیک و امنیتی طلب می‌کند. تبیین و تشریح نگرش‌ها و روش‌های برخاسته از اسلام مردمسالار و قایل به گفتگو، صلح و حقوق انسانی و نفي و مقابله با قرائت طالبانی و بن‌لادنی از دین در همه عرصه‌ها و سطوح ملی و بین‌المللی از جمله ضرورت‌های پیش‌روی ماست.

جبهه مشارکت ایران اسلامی ضمن محکوم کردن اشکال مختلف تروریسم، معتقد است مبارزه واقعی با تروریسم پرداختن به ریشه‌های شکل‌گیری این پدیده است و دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را از برخورد‌های دوگانه با این موضوع برحذر می‌دارد. علاوه بر آن، جبهه مشارکت ایران اسلامی بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران که خود سال‌ها طعم تلخ این اقدامات را چشیده، باید با تدوین یک استراتژی جامع با همکاری با نهادهای بین‌المللی و دولت‌های دیگر بسیار فعال و موثر در این عرصه گام بردارد. دیپلماسی ناهماهنگ، رفتارهای متضاد و حضور غیرفعال نه تنها در جهت منافع ملی کشور نبوده، بلکه عدم انجام یک وظیفه دینی در پاک کردن غبارهای کج‌فهمی از چهره دین است، که بیش از هر زمان مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است.

2-6-11- جهان معاصر در پی تغییرات سریع و ارتباطات گسترده به تدریج درهم تنیدگی زیادی پیدا کرده است. از پیامدهای این همبستگی‌های ساختاری در اقتصاد، سیاست و جامعه جهانی تکوین ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی است که رفتار جوامع مختلف انسانی را شکل می‌دهد. حقوق بشر و مردمسالاری از دستاوردهای جامعه جهانی است که به طور فزاینده‌ای بعنوان یکی از ارزش‌های پذیرفته شده جهانی و از ملاک‌های اصلی قضاوت در خصوص اعمال و رفتار دولت‌ها و جوامع مطرح شده و بوسیله سازوکارهای مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حال نهادینه شدن است. همکاری سازنده و فعال با جامعه جهانی پایبندی به اصول و قواعد فوق‌الذکر را بیش از هر زمان به ضرورتی غیرقابل کتمان تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی ایران که خود در آغاز انقلاب با تدوین قانون اساسی جدید بسیاری از اصولی را که ضامن حقوق فردی انسان‌ها و برابری آنها در برابر قانون است، پذیرفته و تجربه جدیدی را رقم زده است، نمی‌تواند نسبت به اجرای آنها و پاسداری از کرامت انسانی بی‌تفاوت باشد و با زیر پا گذاشتن برخی اصول مسلم حقوق بشر اصل حاکمیت قانون را خدشه‌دار کند. جبهه مشارکت ایران اسلامی معتقد است اجرای کامل و صحیح قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌تواند کشور را از اکثر اتهامات نقض حقوق بشر مصون کند و زمینه را برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر سازوکارهای بین‌المللی فراهم سازد. در پرتو این نگرش در مورد رعایت همه جانبه حقوق بشر، جبهه مشارکت با کمک به تهیه قوانین مربوطه و حمایت از پیوستن ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی وفاداری خود را به این اصول بیش از پیش نشان داده است. حمایت از تصویب قانون منع شکنجه و پیوستن ایران به کنوانسیون منع شکنجه، و همچنین کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از جمله این اقدامات است، که بدون تردید به شکل موثرتر و معقولانه‌تری به استقلال و سربلندی ایران کمک خواهد کرد. شعارهای اصلی جبهه مشارکت یعنی حاکمیت قانون، حمایت از آزادی‌های مصرح در قانون

اساسي و تعميق مردمسالاري بنيادهاي اصلي همكاري متقابل با جامعه جهاني در بسط فرهنگ حقوق بشري است.

جبهه مشاركت ايران اسلامي با بيان صريح مسايل و روندهاي پيشروي کشور، در عرصه‌هاي داخلي و خارجي و تبين دیدگاه‌هاي روشن خود اعلام مي‌دارد که در پي هيچ چيز نيست جز اعتلاي ايران و پيشبرد اندیشه و راهي که امام خميني (ره) و ملت فداکار ايران در اين سرفصل تاريخي کشور عرضه داشتند. اين اندیشه و راه چيزي جز تكيه بر قرائت مردمسالار از جمهوري اسلامي و استفاده از همه ظرفيت‌هاي قانون اساسي براي ايجاد گشايش در روند اصلاحات نيست. در اين مسير به خداوند بزرگ توکل مي‌کنيم، از ملت بزرگ ايران ياري مي‌طلبيم و دست همكاري به سوي همه نيروها و گروه‌هاي سياسي وفادار به قانون اساسي و معتقد به آزادي، استقلال و حاکميت مردم دراز مي‌کنيم.

جبهه مشاركت ايران اسلامي

آبان ماه - 1382